

## مطالعه تعیین‌کننده‌های جامعه‌شناختی سبک زندگی محیط زیستی دانشجویان دانشگاه تبریز

دکتر سعید سلطانی بهرام<sup>۱</sup> و دکتر فتنه حاجیلو<sup>۲</sup>

تاریخ وصول: ۹۹/۴/۴

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۱/۲۵

### چکیده:

کنش‌های افراد در ارتباط با محیط زیست متأثر از عواملی است که در خلال اجتماعی شدن در فرد ایجاد و تقویت می‌شود. هدف اصلی پژوهش حاضر آن است که علل اثرگذار بر رفتارهای زیستی افراد در فرایند اجتماعی شدن، تجربیات و مهارت‌هایی که در این زمینه می‌یابند، مسئولیت‌هایی که می‌پذیرند و نقش دانش و آگاهی را که در روند آموزش کسب می‌کنند، بررسی نماید. این پژوهش در جریان سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ در دانشگاه تبریز و به شیوه پیمایشی انجام گرفته است. جامعه آماری آن دانشجویان دانشگاه تبریز هستند که ۳۰۲ نفر از آنان به شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب شده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که، میانگین سبک زندگی محیط زیستی در دامنه ۵۲ تا ۱۳۳ برابر با ۹۹/۵۹ می‌باشد که نشان می‌دهد سبک زندگی محیط زیستی دانشجویان در حد زیادی قرار دارد. همچنین در میان ابعاد دانشگاه سبک زندگی محیط زیستی، بعد استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی، کمترین مقدار میانگین محاسبه شده را داشته است. نتایج آزمون فرضیات نیز نشان می‌دهد که رابطه مثبت و معنی‌داری بین سبک زندگی محیط زیستی با متغیرهای سرمایه اجتماعی و ابعاد سه‌گانه آن شامل اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی و همچنین متغیر سرمایه فرهنگی و ابعاد آن و نیز متغیر معرفت محیط زیستی به‌عنوان متغیرهای مستقل وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیونی سبک زندگی محیط زیستی نشان می‌دهد که سه متغیر مشارکت اجتماعی، معرفت محیط زیستی و بعد عینی سرمایه فرهنگی در کل حدود ۱۹ درصد تغییرات سبک زندگی محیط زیستی دانشجویان دانشگاه تبریز را تبیین می‌کنند.

**مفاهیم کلیدی:** سبک زندگی محیط زیستی، سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، معرفت زیست‌محیطی، دانشجویان دانشگاه تبریز

<sup>۱</sup> استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران (نویسنده مسئول) s.soltani@urmia.ac.ir

<sup>۲</sup> استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران fhajiloo@ymail.com

## مقدمه و بیان مسأله

بنیان زندگی انسان ریشه در محیط زیست طبیعی دارد و از این رو حفظ زندگی مستلزم حفظ محیط زیست است. در این خصوص *Michael Cahill* می‌نویسد: «حیات انسان‌ها بیش از آنچه تصور می‌شود به طبیعت وابسته است، محیط زیست طبیعی پایه‌ی زندگی انسان است و حفظ آن موفقیتی برای انسان محسوب می‌شود» (Cahill, 2002: 3). ریشه‌ی اصطلاح محیط زیست به کلمه‌ی فرانسوی *Environ* می‌رسد که به معنی اطراف، احاطه شدن و حصار کشیدن می‌باشد» (Barry, 1999: 12). واژه‌ی محیط زیست واژه‌ای کلی است و نیاز به تعریف دقیق دارد. گاهی محیط زیست را به مثابه محیط فیزیکی که شامل انسان‌ها نمی‌شود در نظر می‌گیرند، در حالی که در مواردی محیط زیست را برابر با طبیعت که انسان‌ها، گیاهان و حیوانات را شامل می‌شود، قلمداد می‌کنند (Williams, 1988: 291).

در اغلب موارد به آن بخشی از محیط زیست که ساخته‌ی دست انسان نباشد، محیط طبیعی اطلاق می‌شود اما در بحث از محیط زیست و نوع رفتار با آن، معمولاً الگوهای رفتار و احساس مسئولیت نه تنها در برابر محیط طبیعی بلکه در خصوص محیط پیرامون انسان اعم از محیط مصنوع و طبیعی مورد بحث قرار می‌گیرد. مسائل محیط زیست به‌ویژه در مواردی که مرتبط با مصرف مستقیم منابع و اثرات آن بر محیط پیرامون است، مثل مصرف انرژی، حمل و نقل و تولید پسماند اهمیت فراوانی دارد.

شیوه‌های کنونی زندگی، انسان را از این مسأله که طبیعت به‌عنوان منبع ارزشمند حیات باید مورد محافظت قرار گیرد دچار غفلت کرده و این مسأله رفتار و عملکرد او را به گونه‌ای تحت‌الشعاع قرار داده که در نهایت منجر به تخریب محیط زیست می‌شود. «محیطی که ما در آن زندگی می‌کنیم سیستمی از مجموعه‌های طبیعی متصل به یکدیگر است که غالباً پیچیدگی و ارتباطات درونی این مجموعه‌ها با هم نادیده انگاشته می‌شود. ساختن یک سد، پرورش یک گونه‌ی جانوری یا کاشت نوعی گیاه در منطقه‌ای خاص می‌تواند اجزا دیگر این سیستم را چنان دچار اختلال سازد که تعادل آنها بصورت پیش‌بینی نشده‌ای تغییر یابد» (Fukuyama, 2004: 140). به همین دلیل است که فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی انسان‌ها می‌تواند پیامدهایی برای محیط زیست در پی داشته باشد که قابل تصور نیست. اصل بر این است که «جامعه باید از زمین حراست کند نه این که دست به تخریب آن بزند» (Capra, 2007: 280).

امروزه زندگی انسان به‌ویژه در شهرها که مراکز تجمع جمعیت، ماشین‌ها، صنعت، ساختمان‌ها و تکنولوژی می‌باشند به گونه‌ای است که به سرعت باعث تغییر شکل طبیعت می‌شوند. شهرها همچنین به مرکز تجمع آلودگی‌هایی همچون آلودگی هوا، آلودگی صوتی، زباله‌های غیر قابل بازیافت یا صنعتی و حتی آلودگی آب‌ها تبدیل شده‌اند. از این‌رو بررسی و شناخت نقش عوامل اجتماعی در حفظ یا تخریب آن، به موضوع بسیار مهمی بدل شده است. با توجه به افزایش روز افزون مخاطرات و مشکلات محیط زیست در زندگی انسان معاصر، رهیافت‌های نوینی نیاز است تا زندگی مردم را از آسیب‌های جدی محیط زیستی دور نگهدارد. یکی از این رهیافت‌ها توجه به سبک زندگی و اصلاح آن در جهت بهینه‌سازی رفتار یا رفتار مسئولانه در قبال محیط زیست است.

سبک زندگی به روش زندگی مردم، ارزش‌های اجتماعی و فعالیت افراد در سراسر زندگی اطلاق می‌شود که نشان‌دهنده‌ی جامعه‌پذیری فرد و فرهنگ جامعه می‌باشد. اساساً سبک زندگی همان الگوهای رفتاری، عادات افراد در زندگی و ارزش‌های اجتماعی آنها است، این رفتارها تحت تأثیر جنس، سن، شرایط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی افراد متفاوت است و غالباً از فهم و نگرش مردم در خصوص زندگی تأثیر می‌پذیرد. نگرش‌ها و ارزش‌های حاکم در یک جامعه تعیین‌کننده و راهنمایی‌کننده‌ی اصول زندگی فردی، گروهی و پایه و اساس سرمایه‌ی فرهنگی و همه‌ی رفتارهایی هستند که انجام دادن آنها برای افراد مهم است. سرمایه‌ی فرهنگی منجر به ایجاد تمایلات پایدار در افراد می‌شود، تحصیلات نمودی از سرمایه‌ی فرهنگی است و لذا به نظر می‌رسد افراد دارای تحصیلات بیشتر توان شناخت بالاتری در مورد موضوعات مهم اعم از اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی یا محیط زیستی دارند. انتظار بر این است که افزایش سرمایه‌ی فرهنگی افراد دغدغه‌ی آنها را در موضوع مخاطرات محیط زیست افزایش دهد از این‌رو دانش و آگاهی نسبت به لزوم حفاظت از محیط زیست منجر به رعایت بیشتر الگوهای زندگی سازگار با محیط زیست و یا به عبارتی سبک زندگی محیط زیستی شود.

سبک زندگی محیط زیستی زیر مجموعه‌ای از مفهوم عام سبک زندگی است که دلالت بر کنش‌ها و الگوهای رفتاری دارد که از آسیب رساندن به محیط زیست اجتناب می‌ورزند و تضمین‌کننده‌ی حد بالای سلامتی محیط زیست است.

کنش‌های انسان متأثر از دانش و مهارت‌های الگوپذیری شده او در جریان زندگی اجتماعی است، دانشجویان به‌عنوان قشر جوان تحصیل‌کرده و روشنفکر نسبت به سایر گروه‌ها بیشتر در جریان دانش و اطلاعات جدید، به ویژه آگاهی‌های محیط زیستی قرار

دارند و انتظار می‌رود از مهارت‌های نسبتاً خوبی در زمینه‌ی درک، برخورد، تصمیم‌گیری و رفتار مسئولانه در قبال محیط زیست برخوردار باشند. این همان معرفت محیط زیستی است که موجب شناخت افراد نسبت به اهمیت، ارزش و جایگاه محیط زیست، پیوند درونی آن با مسائل اجتماعی و زندگی اقتصادی و ضرورت حفاظت از منابع طبیعی برای نسل‌های آینده است. معرفت محیط زیستی بنیان ایجاد باورها و توجه به مسائل محیط زیست است، پیامد این توجه آگاهی از مشکلات مرتبط به محیط پیرامون در زندگی روزانه‌ی افراد است. معرفت محیط زیستی نه تنها موجب بروز رفتارهای مسئولانه در قبال محیط زیست است بلکه تعمیق آن موجب پویایی فرهنگی می‌شود که بر اساس آن فرد آمادگی مشارکت در فعالیت‌های غیر مستقیم برای حفاظت از منابع طبیعی را کسب می‌نماید.

دانشجویان با شبکه‌ی گسترده‌ای از دوستان و روابط اجتماعی، در معرض اشراف و انتقال اطلاعات جدید در زمینه‌های مختلف قرار دارند، انتظار بر این است که آگاهی آنها از مخاطرات زیستی ناشی از رفتارهای نادرست نسبت به محیط پیرامون و وقوف به ضرورت حفاظت از منابع طبیعی، اهتمام دانشجویان را به رعایت سبک زندگی محیط زیستی بیشتر کند. پژوهش حاضر قصد دارد تا با بررسی عوامل مرتبط با رفتارهای دانشجویان در قالب سبک زندگی محیط زیستی، تأثیر این عوامل را در ایجاد و بروز رفتارهای محیط زیستی بررسی نماید.

اگر محیط زیست برای افراد مهم و محور عمل قرارگیرد، انتخاب‌ها، تصمیم‌ها و کنش‌های آنها در زندگی با محیط زیست سازگاری می‌یابد و به ویژه الگوهای مصرف خود را به گونه‌ای شکل می‌دهند که بتوانند از آسیب رساندن به محیط زیست پرهیز نمایند. ضرورت موضوع در این است که شهروندان نیاز دارند برای کنترل رفتارهای خود، اثرات فعالیت‌هایشان بر محیط زیست را بشناسند و مطابق با اصولی رفتار کنند که آسیب‌های محیط زیستی را به حداقل برساند، «هر شهری نیاز دارد که فهمی گسترده از زیست‌بوم خود و روابط با زیست‌بوم‌های دیگر بدست آورد» ( *Haughton & Hunter, 1994*: 112).

بررسی سبک زندگی محیط زیستی در سطح خرد و فردی راهی برای شناسایی الگوهای رفتاری جمعی که در یک جامعه مبنای عمل افراد است، می‌باشد و برای شناخت نحوه‌ی تعامل مردم با محیط زیست یک ضرورت محسوب می‌شود. انگیزه‌ی اصلی این کار در بررسی عوامل مؤثر بر رفتارهای محیط زیستی آن است که با فهم علل اثرگذار بر

رفتارهای افراد بتوان راه‌های تأثیرگذاری و تغییر نگرش و متعاقب آن ایجاد رفتار مسئولانه در قبال محیط زیست را برنامه‌ریزی نمود.

دانشگاه تبریز هر سال تعداد زیادی دانشجو از نقاط مختلف کشور را در مقاطع مختلف تحصیلی جذب می‌کند و با توجه به رواج فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌های گوناگون، ارزش‌ها، و نگرش محیط زیستی متفاوت بین آنها می‌تواند بستری مناسب برای بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مرتبط با موضوع تحقیق باشد، انجام پژوهش حاضر می‌تواند با بررسی سبک زندگی و به‌ویژه شناخت الگوی مصرف افراد، تصویر روشنی از عوامل مرتبط بر رفتار آن را ارائه نماید. به این ترتیب می‌توان آموزش‌های مؤثر بر معرفت محیط زیستی برای هدایت سرمایه‌ی اجتماعی در جهت اصلاح الگوی مصرف و سبک زندگی آنها را تدارک دید و برای ترویج شیوه‌های صحیح رفتار محیط زیستی دانشجویان، به‌عنوان نسلی که آینده متعلق به آنها است برنامه‌ریزی کرد.

### مبانی نظری پژوهش

نظریه‌های متفاوتی در خصوص رابطه‌ی جامعه با محیط زیست، به‌ویژه در دوره‌ی معاصر و در رویکردهای نوین جامعه‌شناسی مطرح شده است. به‌عنوان مثال گیدنز شهرنشینی مدرن را عامل مهم تخریب محیط زیست محسوب کرده و بیان می‌کند که «شهرنشینی مدرن بر اساس اصول خاصی سامان می‌گیرد که تفاوت زیادی با اصول بنا شدن شهرهای پیشامدرن از بطن روستاهای دوره‌های پیش‌تر از آن دارد» (Giddens, 2009: 399). به اعتقاد او صنعتی‌شدن همراه با گسترش شهرنشینی به اندازه‌ای رشد کرده است که انسان‌ها را از طبیعت دور ساخته است و آنها را در محیط ساخته دست خود، محبوس کرده است «پیشرفت نیروهای تولیدی در بطن خود ظرفیت تخریبی عظیمی در خصوص محیط زیست مادی داشته است.

به اعتقاد Gregory & et. al. و همکاران در جوامع کنونی بیشتر جمعیت در شهرها زندگی می‌کنند، لذا بیشتر مسایل محیط زیستی در نتیجه‌ی فعالیت‌های شهرنشینی است (Gregory & et. al., 2009:143). نوع زندگی شهری وجوه اشتراک مهمی با سرمایه‌داری و صنعت‌گرایی دارد (Barry, 1999: 96)، از این‌رو زندگی شهری نقش مهمی در تخریب محیط زیست دارد.

بیشتر اثرات مخرب بر محیط زیست، محصول فعالیت‌های انسانی است، فعالیت‌هایی که در نتیجه‌ی باورها، سنت‌ها، کار، تفریحات، قدرت و یادگیری اجتماعی رخ می‌دهند. گر

چه گاهی بین باورها و مقاصدی که انسان‌ها راجع به محیط زیست دارند و اثراتی که بر آن می‌گذارند، تفاوت وجود دارد، اما در هر حال اثر بر محیط پیرامون نتیجه‌ی مستقیم روش و شیوه‌ی زندگی است.

بزرگ‌ترین چالش پیش روی جامعه‌ی معاصر تغییر در پارادایم مربوط به جهت‌گیری و تصمیم‌هایی است که مردم در تعامل با محیط زیست اتخاذ می‌کنند. این تغییر نیازمند توجه به معرفت و آموزش گسترده در این زمینه است. سال‌ها است که تلاش فراوان بوم‌شناسان برای مقابله با مخاطرات و کاهش اثرات منفی ناشی از صنعتی‌شدن و تغییر وضعیت حاکم بدون نتیجه مانده است. چون مسائل محیطی پیامد رابطه‌ی متقابل انسان با محیط پیرامون و نتیجه‌ی کنش و رفتار انسان است باید برای ایجاد تغییر در این زمینه تلاش‌هایی برای شناخت وضعیت فعلی و هدف‌گذاری برای آینده‌ی مطلوب صورت بگیرد.

از آنجا که هر واحد انسانی اعم از فرد، شهر و کشور از تولیدات و خدمات طبیعت استفاده می‌کند بر محیط اطراف خود تأثیر می‌گذارد. میزان این تأثیر برابر با مقدار طبیعتی است که این واحدها برای تداوم زندگی اشغال کرده و مورد بهره‌برداری قرار می‌دهند. از آنجا که شیوه‌های زندگی مردم در نقاط مختلف جهان متفاوت است تأثیر آنها بر محیط پیرامون نیز متفاوت و تابع سبک زندگی آنها است.

شکل‌گیری سبک زندگی تابع شرایط زندگی، اجتماعی‌شدن در طول زندگی، موقعیت اقتصادی، اجتماعی و زمینه‌های فرهنگی رشد افراد است و به تمایز بین آنها منجر می‌شود. به‌طوری که می‌توان گفت سبک زندگی، بازتاب کامل ارزش‌های اجتماعی مردم هر جامعه است. یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که جامعه‌شناسی محیط زیست به آن می‌پردازد این است که عملکردهای فرهنگی چگونه بر رفتار اشخاص در قبال حفظ محیط زیست و شکل‌گیری سبک زندگی محیط زیستی تأثیر می‌گذارند.

نگرش‌های متفاوتی از سوی نظریه‌پردازان اجتماعی برای تبیین این مسائل مطرح شده است، از این مجموعه برخی نظریات به‌عنوان مبانی نظری این تحقیق به شرح زیر مورد بحث قرار می‌گیرد.

#### - سبک زندگی محیط زیستی

وقتی افراد مجموعه‌ای از رفتارها را برگزیده و انجام می‌دهند، طوری که این رفتارها برای آنها به صورت روزمره در می‌آید، سبک زندگی آنها شکل می‌گیرد. از آنجا که رفتار افراد تحت تأثیر نگرش، جنس، سن، شرایط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی آنها است، در

صورتی که انتخاب‌ها و الگوهای رفتار ایشان در زندگی با محیط زیست سازگار باشد، سبک زندگی محیط‌زیستی به وجود می‌آید.

سبک زندگی محیط‌زیستی به شیوه‌ای گفته می‌شود که با اجتناب از آسیب زدن به محیط زیست و جلوگیری از ایجاد مشکلات محیط‌زیستی، تضمین‌کننده‌ی حد بالای سلامت محیط زیست باشد. این سبک زندگی دربردارنده‌ی الگوهایی از رفتار است که با زیست‌بوم هماهنگ بوده و چرخه آن را مختل نمی‌سازند (Capra, 2007: 287). این نوع سبک زندگی دلالت به تولید و مصرف کالاهای هماهنگ با طبیعت، مصرف بهینه‌ی انرژی، کاهش تولید زباله، استفاده از مواد شوینده‌ی غیر مضر برای طبیعت و رفتارهای دیگری دارد که برای محیط‌زیست مضر نباشند و ارتباط انسان با زیست‌بوم به ارتباطی دوستانه تبدیل شود. چنین رفتارهایی شاخص‌های سبک زندگی محیط‌زیستی محسوب می‌شوند. وقتی افراد مجموعه‌ای از این رفتارها را برگزیده و انجام می‌دهند، طوری که این رفتارها به عنوان بخشی از وظایف روزمره‌ی آنها درمی‌آید، سبک زندگی محیط‌زیستی شکل می‌گیرد.

در این سبک زندگی، توجه وافر به مفاهیمی مثل فضای محیط‌زیستی، مصرف سبز و کاهش ردپای بوم‌شناختی به این معنی است که: «تصمیمات ما در زندگی روزمره - مثل اینکه چه بخوریم و چه بپوشیم، چگونه سفر کنیم و با زباله‌ها چه کنیم - به اندیشیدن درباره‌ی پیامدهای محیط‌زیستی آن نیاز و به این نکته تأکید دارد که ما در این دنیا تنها نیستیم و باید اثر شیوه‌ی زندگی خود را بر سایر موجودات در نظر بگیریم» (Smith, 1998).

در صورتی که انتخاب الگوهای مصرف، تولید و توزیع توسط افراد جامعه بدون توجه به شرایط محیطی شکل گیرد، نه تنها آسیب‌های جدی به محیط‌زیست وارد می‌کند بلکه در نهایت خود آنها را دچار آسیب‌های جسمی و روحی می‌سازد. یعنی چنین سبک زندگی، نه تنها منجر به تخریب محیط‌زیست می‌شود بلکه امراض و بیماری‌های انسانی را نیز تشدید می‌کند. وجود ارتباط دوسویه بین رفتارهای انسانی با ایجاد تغییرات و برهم زدن تعادل در طبیعت، این واقعیت را تأیید می‌کند که برای تداوم بقا، بهره‌مندی از سلامت کامل و کاهش تأثیرات منفی بر محیط‌زیست، دقت در رفتار با محیط‌زیست و به‌ویژه دقت در میزان، نوع و شیوه‌های مصرف ضروری است.

## - نگرش محیط زیستی

درک و پیش‌بینی رفتارهای محیط زیستی افراد جامعه، بستگی زیادی به فهم نگرش آنها از موضوع محیط زیست و روابط متقابل انسان با محیط پیرامون خود دارد. مهم‌ترین نظریه‌ی مطرح در باب نگرش، توسط *Azjen & Fishbein* مطرح شده است و دلالت بر این دارد که رفتارها همواره دارای نیت و هدف هستند. این نظریه بر چگونگی انتخاب‌ها و تصمیم‌گیری‌های افراد در موقعیت‌های خاص تمرکز می‌کند.

از دهه‌ی ۱۹۷۰ میلادی، جامعه‌شناسان محیط زیست مقیاسی را ایجاد نموده و بسط دادند که نگرش افراد به محیط زیست را به‌عنوان معیاری برای اندازه‌گیری و پیش‌بینی رفتارهای محیط زیستی در نظر می‌گیرد (*Stets & Biga, 2003*). قدیمی‌ترین و ساده‌ترین مدل در این زمینه که در دهه‌ی ۷۰ میلادی مطرح شد، بر پیشرفت خطی دانش محیط زیستی به آگاهی، ملاحظات یا نگرش محیط زیستی و در نهایت رفتار محیط زیستی اشاره دارد. نگرش به محیط زیست، مسایلی همچون حفاظت از حیات وحش، گیاهان، جنگل‌ها، جانوران بومی، حفظ منابع طبیعی و تلاش برای حل مسایل محیط زیستی در سطح کلان را مطرح می‌کند. مدل‌هایی نیز وجود دارد که نگرش را در کنار هنجارها، باورها، دانش، عوامل شخصیتی، مهارت و انگیزه دارای تأثیر بر رفتار می‌داند (*Kollmuss & Agyeman, 2002*).

در همین دوره جامعه‌شناسانی همچون *Dunlap & Catton* به پیامدهای حاصل از نگرش جدایی انسان از طبیعت اشاره کردند. آنها معتقدند رویکرد جدایی انسان از طبیعت که مدعی است انسان‌ها به دلیل داشتن فرهنگ، گونه‌های برتر، جدا و مستثنی از بقیه‌ی طبیعت هستند، منجر به ایجاد رفتارهای مخرب محیط زیست می‌شود. چهار فرض عمده‌ی زیر، مبنای نظریات رویکرد جدایی انسان از طبیعت است:

۱. انسان‌ها معتقدند میراث فرهنگی و ژنتیکی‌شان، آنها را از دیگر گونه‌های حیات متفاوت کرده است.
۲. فعالیت و زندگی انسانی تحت تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی از جمله فناوری تعیین می‌شود.
۳. محیط زیست انسانی بستر فرهنگی و اجتماعی دارد و محیط طبیعی در برابر آن برای انسان بسیار گسترده و مبهم است.



۴. چون فرهنگ و نوآوری حالت انباشتی دارند، پیشرفت‌های فناورانه و اجتماعی نامحدود هستند و در طی زمان می‌توانند همه‌ی مسایل را قابل حل سازند (Humphrey & et. al., 2002: 25).

دنلپ و کاتن، چنین ادعایی را، جبرگرایی اجتماعی، خوانده و آن را رد می‌کنند. به عقیده‌ی ایشان، انسان‌ها تحت تأثیر مستقیم یا غیر مستقیم بازخوردهای اکوسیستم هستند. کاتن معتقد است «جامعه‌ی انسانی جزئی جدایی‌ناپذیر از حیات است. سلطه‌ی اجتماعات انسانی بر طبیعت منجر به خود - تخریبی آنها می‌شود» (Catton, 1982: 10). انسان با ساخت جامعه‌ای پیچیده، به استفاده‌ی ناندیشیده و بی‌رویه وابسته شده است و موفقیت او داستان غم‌انگیز تخریب طبیعت را رقم زده است.

نگرش جدید موسوم به رویکرد زیست‌بومی جدید، که ابتدا افکاری در کسوت دانشگاهی بود، از رهیافتی حمایت می‌کند که کمتر انسان‌محور و بیشتر بوم‌محور است. بدین معنی که انسان‌ها را فقط یک نوع از گونه‌های ساکن در روی زمین در نظر می‌گیرد (Hannigan, 1995: 18). این پارادایم نیز بر چهار فرض عمده استوار است:

۱. انسان‌ها گونه‌ای در بین گونه‌های موجودات زنده و دارای وابستگی‌های متقابل با اکوسیستم جهانی هستند اما ویژگی‌های استثنایی دارند.
۲. زندگی انسان‌ها حلقه‌ای پیچیده از علل، اثرات و بازخوردهای شبکه‌ی حیات است بنابراین نه تنها تحت تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی است بلکه از محیط طبیعی نیز تأثیر می‌پذیرد، لاجرم فعالیت‌های هدفمند انسانی ممکن است پیامدهایی ناخواسته داشته باشد.
۳. زندگی انسان به محیط طبیعی وابسته است، در عین حال محیط، محدودیت‌هایی را بر آن اعمال می‌کند.
۴. هر چند ابتکارات انسانی یا قدرت مشتق از آن، گذر از محدودیت‌ها را ممکن می‌سازد اما به هیچ وجه نباید قوانین اکولوژیکی را نقض کند (Humphrey & et. al., 2002: 25).

به این ترتیب دیدگاه نوینی در مطالعات اجتماعی به وجود آمد که متغیرهای محیط زیستی را در تحقیقات اجتماعی وارد کرد و چشم‌انداز جدیدی را برای بررسی رفتار و نگرش انسان نسبت به محیط زیست تدارک دید.

موضع اساسی *Habermas* نیز مبتنی بر تأکید بر نگرش ابزاری، تکنیکی و دستکاری جهان زیست توسط انسان است که به‌عنوان ویژگی مسلم یا واقعیت بی‌رحم طبیعت

گونه‌های انسانی در نظر گرفته می‌شود. از نظر هابرماس انسان‌ها به صورت ژنتیکی و تکاملی مستعد داشتن دیدگاه ابزاری نسبت به محیط زیست طبیعی می‌باشند. وی معتقد است که روشنگری، پیشرفت و توسعه‌ی جوامع انسانی را با استثمار و استفاده ابزاری از محیط زیست طبیعی عجین کرده است (Barry, 1999: 88).

#### - انواع سرمایه و ارتباط آن با رفتار محیط زیستی

اصطلاح سرمایه یکی از مهم‌ترین مفاهیم اقتصادی است که برای توصیف منابع و دارایی‌هایی به کار می‌رود که برای ایجاد درآمد سرمایه‌گذاری می‌شوند. علیرغم اینکه در ابتدا این مفهوم توسط اقتصاددانان مطرح شده و تنها جنبه‌ی اقتصادی و پولی آن مد نظر قرار می‌گرفت، در دهه‌های اخیر اشکال دیگری از سرمایه توسط جامعه‌شناسان مطرح و مورد مذاقه قرار گرفته است.

دانشمندانی نظیر Coleman, Bourdieu, Putnam به تعریف اشکال مختلف و تعیین حوزه‌ی اجتماعی در این زمینه پرداختند. در ابتدا، مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی بیشتر برای تبیین مشکلات زندگی اجتماعی به کار رفته و سعی شده سرمایه‌ی اجتماعی در مقابل این مشکلات مثل (جرم، جنایت، مشکلات آموزشی و ...) قرار بگیرد؛ بنابراین همواره به تقویت سرمایه‌ی اجتماعی پرداخته شده است. به‌طور کلی در این مرحله مفاهیم و نظریه‌پردازی حول موضوع سرمایه‌ی اجتماعی به‌عنوان راه حلی برای مشکلات پیچیده‌ی اجتماعی بوده است. در سال‌های بعد این مفهوم به یکی از موضوعات مهم در بطن ساختار اجتماعی تبدیل شد. ساختار اجتماعی به‌عنوان مجموعه روابط متقابل عناصر تشکیل‌دهنده‌ی هر گروه اجتماعی می‌تواند کلیت آن اجتماع و گروه انسانی را در ذهن انسان متبادر سازد. وجود روابط بین اجزاء سازنده چه در میان افراد و چه در میان گروه‌های انسانی باعث شد که مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی به‌عنوان عامل تسهیل روابط و هنجارهای اجتماعی مطرح شود.

بورديو از وجود چهار نوع سرمایه سخن می‌گوید که عبارتند از: سرمایه‌ی اقتصادی، سرمایه‌ی اجتماعی، سرمایه‌ی نمادین و سرمایه‌ی فرهنگی.

سرمایه‌ی اقتصادی: شامل درآمد پولی و سایر منابع مالی و دارایی‌ها است. این سرمایه به موقعیت اقتصادی و تضمین‌های مالی و حقوق مالی افراد اشاره دارد. سرمایه‌ی اجتماعی: مجموع منافع بالفعل و بالقوه‌ای است که کنشگران از طریق عضویت در شبکه‌های اجتماعی و سازمان‌ها به دست می‌آورند. سرمایه‌ی اجتماعی افراد از حضور و تداوم

حضورشان در این شبکه روابط حاصل می‌آید، در صورتی که افراد به نحوی از این شبکه‌ی روابط خارج شده یا به حاشیه رانده شوند از مزایای مادی و معنوی این ارتباطات نیز محروم می‌شوند. سرمایه‌ی نمادین: به تعریف بوردیو شکل دیگری از سرمایه است که با استفاده از نمادها جهت مشروعیت بخشیدن به در اختیار داشتن سطوح و اشکال دیگر سرمایه به کار می‌رود. این شکل از سرمایه مواردی نظیر: محبوبیت اجتماعی، شهرت، اعتبار، آبرو، حیثیت و شرف را شامل می‌شود (Salehi Pourmehr, 2007).

سرمایه‌ی فرهنگی: مفهومی است که برای تحلیل اثرات فرهنگ بر نظام طبقاتی و ارتباط بین عمل و ساختار اجتماعی به‌کار رفته است تا نقش نظام آموزشی و اجتماعی‌شدن خانواده بر بازتولید ساختار روابط قدرت و روابط نمادین بین طبقات بررسی شود. از نظر بوردیو، سرمایه‌ی فرهنگی یک استاندارد آکادمیک غیر رسمی برای بررسی نگرش طبقاتی، مبنایی برای انتخاب اجتماعی و منبعی برای قدرت است که بصورت نامحسوس در موقعیت طبقاتی فرد نهفته است (Lamont and Lareau, 1988: 156).

بوردیو با قرار دادن سرمایه‌ی اجتماعی در درون نظام و ساختار اجتماعی معتقد است که از طریق سرمایه‌ی اجتماعی و بکارگیری آن، افراد یا طبقات، سعی می‌کنند به منافع اقتصادی خود دست یابند. سرمایه‌ی اجتماعی برای بوردیو، موقعیت‌ها و روابط در گروه و شبکه‌های اجتماعی است که دسترسی به فرصت‌ها، اطلاعات، منابع مادی و موقعیت اجتماعی را برای افراد افزایش می‌دهد. بوردیو تطابقی میان جایگاه اجتماعی، سلیقه‌ها و رفتارها در نظر می‌گیرد. او سرمایه‌ی اجتماعی را جمع منابع واقعی یا بالقوه که حاصل از شبکه‌های بادوام از روابط کمابیش نهادینه شده مبتنی بر آگاهی و باز شناخت متقابل اعضا در گروه می‌داند، شبکه‌ای که هر یک از اعضای خود را از پشتیبانی سرمایه‌ی جمعی برخوردار و مستحق اعتبار می‌سازد. بدین‌سان حجم سرمایه‌ی اجتماعی مورد تملک فرد به اندازه‌ی شبکه‌ی پیوندهایی بستگی دارد که او می‌تواند به‌طور مؤثر بسیج کند (Delaviz, 2004: 61). به زعم او سرمایه هر نوع خاستگاه و سرچشمه در عرصه‌ی اجتماعی است که در توانایی فرد، برای بهره‌مندی از منافع خاصی که در صحنه حاصل می‌شود مؤثر واقع می‌شود. به عقیده‌ی بوردیو منبع نابرابری در جامعه فقط ماهیت اقتصادی ندارد بلکه بیشتر ماهیت فرهنگی دارد.

پوتنام نیز از طریق مرتبط ساختن تفکرات سرمایه‌ی اجتماعی با تفکر لزوم انجمن‌های مدنی و سازمان‌های داوطلبی در دستیابی به مشارکت سیاسی و حکومتی کارآمد مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی را گسترش می‌دهد (Delaviz, 2004: 55). از نظر

پوتنام سرمایه‌ی اجتماعی «... جنبه‌هایی از زندگی اجتماعی - شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد - است که مشارکت‌کنندگان را قادر می‌سازد تا در کنار یکدیگر و به‌طور مؤثر اهداف مشترک را پیگیری کنند ... به‌طور خلاصه، سرمایه‌ی اجتماعی اشاره دارد به پیوندهای اجتماعی و هنجارها و اعتماد ملازم با این پیوندها». امروز از این مفهوم به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی پارادیم توسعه استفاده می‌شود.

مطابق دیدگاه بورديو سرمایه‌ی فرهنگی به سه صورت متجلی می‌شود:

۱. *حالت تجسم‌یافته یا ذهنی*<sup>۱</sup>: نوعی ثروت بیرونی است که به‌عنوان بخش جدایی‌ناپذیر از فرد در آمده است. این همان بخشی است که بورديو آن را سرمایه‌ی فرهنگی همراه با تولد می‌نامد که نمی‌توان آن را از طریق هدیه، خرید یا مبادله به دیگری منتقل نمود. این نوع سرمایه به صورت آمادگی‌های مداوم ذهن و جسم تجلی می‌یابد.
۲. *حالت عینیت‌یافته*<sup>۲</sup>: یکی از بدیهی‌ترین و عینی‌ترین اشکال سرمایه‌ی فرهنگی، در قالب مصرف کالاهای مختلف فرهنگی است که می‌تواند تابعی از متغیرهای گوناگون فردی و اجتماعی باشد. سرمایه‌ی فرهنگی عینیت‌یافته در اشیاء مادی و رسانه‌ها نظیر نوشتار، نقاشی، ابزار و نظایر آن و به‌طور کلی در مادیت آن، قابل انتقال است.
۳. *حالت نهادی شده*<sup>۳</sup>: شامل نوعی رسمیت بخشیدن نهادی به سرمایه‌ی فرهنگی فرد است، اخذ مدارک تحصیلی و آکادمیک نمونه‌ای از این حالت است. این مدارک نوعی نرخ تبدیل، بین سرمایه‌ی فرهنگی و سرمایه‌ی اقتصادی برقرار می‌سازند. این کار از طریق تضمین ارزش مادی برای یک سرمایه‌ی تحصیلی معین انجام می‌شود. سرمایه‌ی فرهنگی به‌عنوان یک شاخص ترکیبی شامل تمایلات و گرایش‌های روانی افراد نسبت به مصرف و استفاده از کالاهای فرهنگی، میزان مصرف مستقیم کالاهای فرهنگی به‌طور عینی و مدارک و مدارج تحصیلی و علمی - فرهنگی افراد است (Hosseinzadeh, 2007: 19).

### پیشینه پژوهش

#### الف) تحقیقات داخلی

مهدوی و ریاحی (۱۳۸۲)، در مقاله «عوامل فرهنگی و اجتماعی در تقابل و تعامل با محیط زیست: مطالعه‌ی موردی اراک» از شهر اراک به‌عنوان یک قطب صنعتی نام برده‌اند

<sup>1</sup> embodied

<sup>2</sup> objectified

<sup>3</sup> institutionalized

که تعداد زیادی از مهاجران را از مناطق اطراف پذیرفته است. علاوه بر آلودگی‌های محیط زیستی همچون هوای آلوده، آلودگی قنات‌ها و آب آشامیدنی، دفع نامناسب فاضلاب و زباله‌ها که معلول فعالیت‌های صنعتی می‌باشند، عوامل فرهنگی و اجتماعی نیز در تشدید آلودگی‌ها نقش دارند (Mahdavi & Riahi, 2003).

عقیلی و همکاران (۱۳۸۷)، در تحقیق «سرمایه‌ی اجتماعی و رفتارهای محیط زیستی مسئولانه در شمال ایران: مطالعه‌ی موردی استان‌های گیلان، مازندران و گلستان» به رابطه‌ی بین سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد آن با رفتارهای مسئولانه در قبال محیط زیست پرداخته است. نمونه‌ی آماری شامل ۷۵۰ نفر از ساکنان مناطق شهری استان‌های گیلان، مازندران و گلستان بوده که به روش تصادفی طبقه‌ای متناسب نمونه‌گیری شده‌اند و ابزار تحقیق پرسشنامه محقق‌ساخته بوده است. یافته‌های پژوهش نشان داده‌اند که بین سرمایه‌ی اجتماعی با رفتارهای مسئولانه‌ی محیط زیست ارتباط معنی‌دار وجود دارد. علاوه بر این بین ابعاد عمده‌ی سرمایه‌ی اجتماعی نیز با رفتارهای محیط زیستی ارتباط معنی‌دار وجود داشته و این روابط در مناطق مختلف جغرافیایی متفاوت بوده‌اند (Aghili & e. al., 2008).

رفیعی و حمیدنژاد (۱۳۸۸)، در تحقیق «بررسی نقش آموزش در افزایش تمایل افراد به حفاظت از محیط زیست (مطالعه‌ی موردی: دریای خزر)» تعداد ۴۰۰ پرسش‌نامه به روش نمونه‌گیری تصادفی از میان ساکنین استان مازندران جمع‌آوری و بروشورهای آموزشی در مورد اکوسیستم دریای خزر و اهمیت آن در حفظ حیات بشر تهیه کرده‌اند. به ۲۰۰ نفر از افراد بروشور ارایه شده و به ۲۰۰ نفر ارایه نمی‌شود. سپس به روش ارزش‌گذاری مشروط و برآورد تابع رگرسیونی لوجیت اطلاعات تجزیه و تحلیل شده است. نتایج نشان داده است که میان دو گروه تفکیک شده، تفاوت معنی‌داری در تمایل به پرداخت جهت حفاظت از محیط زیست دریای خزر وجود داشته است (Rafiei & Hamidnezhad, 2009).

علیزاده اقدم و هنرور (۱۳۹۰)، در پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی و تأثیر آن بر سبک سلامت محیط زیستی شهروندان تبریز» پنج فرضیه را با استفاده از پرسش‌نامه در نمونه‌ای ۴۰۰ نفری از شهروندان شهر تبریز مورد بررسی قرار داده است. نتایج نشان می‌دهد که آگاهی از حقوق شهروندی، حقوق فرهنگی، حقوق اجتماعی و حقوق مدنی با سبک سلامت محیط زیستی رابطه‌ی معنی‌دار داشته، اما

بین حقوق جنسیتی و سبک سلامت محیط زیستی رابطه‌ی معنی‌دار وجود ندارد  
(Alizadeh Aghdam & Honarvar, 2011).

بنی‌فاطمه و حسین‌نژاد (۱۳۹۱)، پژوهشی در قالب پایان‌نامه‌ی دکتری با عنوان: بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با سبک زندگی محیط زیستی شهروندان شهر تبریز به روش پیمایش و با استفاده از پرسش‌نامه روی نمونه‌ی آماری ۶۸۲ نفر از شهروندان بالای پانزده سال شهر تبریز انجام داده‌اند که نتایج آن نشان می‌دهند شهروندان تبریز تا حدود زیادی سبک زندگی محیط زیستی دارند و بین سبک زندگی محیط زیستی شهروندان بر اساس منطقه‌ی محل سکونت و جنسیت تفاوت معنی‌دار وجود دارد اما بر اساس وضعیت اشتغال و جهت‌گیری ارزشی تفاوتی بین شهروندان معنی‌دار مشاهده نشده است  
(Banifatemeh & Hosseinnazhad, 2012).

### ب) تحقیقات خارجی

Poortinga & et. al. (2004) در تحقیق «ارزش‌ها، ملاحظات و رفتارهای محیط زیستی: مطالعه‌ی مصرف انرژی در منازل» به نقش ارزش‌ها در استفاده از انرژی در خانوار با استفاده از مفهوم کیفیت زندگی<sup>۱</sup> پرداخته‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهند میزان استفاده از انرژی در خانوار و حمل و نقل با متغیرهای اجتماعی - جمعیت‌شناختی رابطه دارد. این متغیرها شامل درآمد و اندازه‌ی خانوار است. با استفاده از این نتایج چنین پیشنهاد می‌شود که استفاده از متغیرهای نگرشی مانند ارزش‌ها، ممکن است قادر به تبیین برخی از رفتارهای محیط زیستی باشد.

Judkins and Presser (2008) در تحقیق «تقسیم کارهای دوستدار محیط زیست<sup>۲</sup> در خانه و رابطه‌ی زوجی» مصاحبه‌ی کیفی با دوازده زوج انجام داده‌اند. این زوجها در زندگی روزمره، خود را متعهد به محیط زیست می‌دانستند. نتایج نشان داد که زنان در کارهای خانگی بیشتر از شوهرانشان طبق اصول دوستدار محیط زیست رفتار می‌کنند. هر چند مردها سعی می‌کردند در کارها مشارکت کنند اما زنان بیشتر کارها را انجام می‌دادند.  
Xiao and Mc right (2012) در تحقیق «بررسی تفاوت‌های جنسیتی در توجه به مسایل محیط زیستی در آمریکا» با استفاده از روش‌های آماری تحلیل عاملی و مدل‌سازی

<sup>1</sup> quality of life

<sup>2</sup> eco-friendly

معادلات ساختاری، نشان می‌دهد زنان بیشتر به مسایلی که با سلامتی انسان مرتبط است و احساس خطر عاملی تعیین کننده در توجه به محیط زیست است می‌پردازند.

**جدول ۱:** خلاصه‌ای از پژوهش‌های انجام شده در حوزه‌ی سبک زندگی محیط زیستی

**Table 1:** A summary of Research Conducted in the Field of Environmental Lifestyle

پژوهشگران	سال انجام پژوهش	خلاصه نتایج
Researchers	The Year of Research	The Summary of Results
مهدوی و ریاحی	2003	عوامل فرهنگی و اجتماعی نیز در تشدید آلودگی‌ها نقش دارند
عقیلی و همکاران	2008	سرمایه‌ی اجتماعی با رفتارهای مسئولانه‌ی محیط زیست ارتباط معنی‌داری دارد
رفیعی و حمیدنژاد	2009	تفاوت معنی‌داری در تمایل به پرداختن جهت حفاظت از محیط زیست دریای خزر وجود داشته است
علیزاده و هنرور	2011	آگاهی از حقوق شهروندی، حقوق فرهنگی، حقوق اجتماعی و حقوق مدنی با سبک سلامت محیط زیستی رابطه‌ی معنی‌دار داشته، اما بین حقوق جنسیتی و سبک سلامت محیط زیستی رابطه‌ی معنی‌دار وجود ندارد
بنی‌فاطمه و حسین‌نژاد	2012	سبک زندگی محیط زیستی شهروندان بر اساس منطقه‌ی محل سکونت و جنسیت تفاوت معنی‌دار وجود دارد اما بر اساس وضعیت اشتغال و جهت‌گیری ارزشی تفاوتی بین شهروندان معنی‌دار مشاهده نشده است
پورتینگا و همکاران	2004	استفاده از متغیرهای نگرشی مانند ارزش‌ها، ممکن است قادر به تبیین برخی از رفتارهای محیط زیستی باشد
جودکینز و پرسر	2008	زنان در کارهای خانگی بیشتر از شوهرانشان طبق اصول دوستدار محیط زیست رفتار می‌کنند
زایو و مک‌رایت	2012	زنان بیشتر به مسایلی که با سلامتی انسان مرتبط است و احساس خطر عاملی تعیین کننده در توجه به محیط زیست است می‌پردازند

مروری بر پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که سبک زندگی محیط زیستی به مفهومی که دقیقاً ناظر بر مفهوم سبک زندگی باشد مورد توجه قرار نگرفته است و عمدتاً مفاهیم دیگری مثل رفتار مسئولانه نسبت به محیط زیست، دوستدار محیط زیست و ... به جای سبک زندگی محیط زیستی مورد توجه بوده است. لیکن، در پژوهش حاضر، توجه به محیط زیست و رفتار با آن به‌عنوان یک سبک زندگی مطرح شده است که در ارتباط با مفاهیم جامعه‌شناختی مثل سرمایه‌ی اجتماعی و سرمایه‌ی فرهنگی مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به آنچه در مبانی نظری و پیشینه‌ی تجربی تحقیق درباره‌ی تأثیر معرفت بر نگرش افراد نسبت به یک موضوع و رابطه‌ی انواع سرمایه با شکل‌گیری عادت‌واره‌ها و سبک زندگی اشاره شد، تحقیق حاضر فرضیه‌های زیر را مورد بررسی قرار می‌دهد.

### فرضیه‌های پژوهش

- بین سن دانشجویان با سبک زندگی محیط زیستی آنها رابطه وجود دارد.
- بین سبک زندگی محیط زیستی بر حسب جنسیت دانشجویان تفاوت وجود دارد.
- سبک زندگی محیط زیستی دانشجویان بر حسب استان محل اقامت دائم آنان متفاوت است.
- سبک زندگی محیط زیستی دانشجویان بر حسب مقطع تحصیلی آنان متفاوت است.
- سبک زندگی محیط زیستی دانشجویان بر حسب رشته‌ی تحصیلی آنان متفاوت است.
- بین سرمایه‌ی فرهنگی خانواده‌ی دانشجویان با سبک زندگی محیط زیستی آنها رابطه وجود دارد.
- بین درآمد خانواده‌ی دانشجویان با سبک زندگی محیط زیستی آنها رابطه وجود دارد.
- بین سرمایه‌ی اجتماعی دانشجویان و سبک زندگی محیط زیستی آنها رابطه وجود دارد.
- بین معرفت محیط زیستی و سبک زندگی محیط زیستی دانشجویان رابطه وجود دارد.



### روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق از نظر اجرایی، از نوع تحقیق کاربردی است چون محقق سعی دارد مباحث نظری را به صورت تجربی مورد آزمون قرار دهد و رابطه‌ی منطقی بین پژوهش و جامعه پدید آورد و در اندیشه‌ی کاربرد یافته‌های آن در عمل است. به لحاظ زمانی، در زمره‌ی تحقیقات مقطعی یا عرضی است که در یک برهه‌ی زمانی خاص صورت می‌گیرد. علاوه بر این، تحقیق حاضر از نوع پیمایشی<sup>۱</sup> است چرا که اطلاعات آن از بررسی نظرات گردآوری شده‌ی پاسخگویان حاصل شده است. همچنین، می‌توان گفت که نوع مطالعه‌ی حاضر از نوع مطالعات همبستگی است تا همبستگی بین متغیرها مورد ارزیابی و سنجش قرار گیرد.

جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر شامل کل دانشجویان مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکتری دانشگاه تبریز می‌باشند که در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ در دانشگاه مشغول به تحصیل بوده‌اند و با توجه به آمار ارائه شده توسط آموزش کل دانشگاه تعداد این دانشجویان ۱۷۷۵۰ نفر می‌باشد.

حجم نمونه‌ی آماری در تحقیق حاضر با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران محاسبه شده و ۳۰۲ نفر به دست آمده است. با توجه به اینکه، جامعه‌ی آماری پژوهش، دانشجویان هستند و در گروه‌های مختلف تحصیلی قرار دارند، لذا، از روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی استفاده شده است و نمونه‌گیری طبقه‌ای بر حسب شاخه‌ی تحصیلی و مقطع تحصیلی دانشجویان انجام گرفته است.

برای اندازه‌گیری متغیرها و جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات لازم از پرسشنامه استفاده شده است. روش تهیه‌ی سؤالات و گویه‌های پرسشنامه بر اساس چارچوب نظری تحقیق و تعاریف مربوط به متغیرهای مطرح شده است، در برخی ابعاد از پرسشنامه‌های موجود در تحقیقات پیشین استفاده شده و در برخی موارد برای سنجش برخی ابعاد، سؤالات و گویه‌هایی طراحی شده است.

---

<sup>۱</sup> survey method

## تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای پژوهش

### - سبک زندگی محیط زیستی

سبک زندگی محیط زیستی به رفتارهای مسئولانه در قبال محیط زیست، کنش‌های فردی در جهت حفاظت از طبیعت، حفظ منابع طبیعی و تعهد به کنش‌های جمعی در مقابل مسائل محیط زیستی و جستجوی راه حل برای مسائل دلالت دارد ( Hossein, 2013: 59).

سبک زندگی محیط زیستی با شاخص‌های زیر سنجیده می‌شود: مصرف بهینه‌ی انرژی مانند آب و گاز و برق، استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی، استفاده مجدد از کالاهایی همچون بطری‌های شیشه‌ای یا کاغذ باطله، امتناع از ریختن زباله‌ها در محیط، امتناع از مصرف کالاهایی که به محیط زیست آسیب می‌رساند، حمایت از گروه‌های محیط زیستی، اهمیت دادن به فضای سبز و ...

### - سرمایه اجتماعی<sup>۱</sup>

بر اساس رویکرد سازمان توسعه و همکاری اقتصادی اروپا سرمایه‌ی اجتماعی شبکه‌ای در هم تنیده از هنجارها و ادراک‌های مشترک افراد جامعه است که همکاری و تعامل بین افراد را تسهیل می‌کند؛ "سرمایه‌ی اجتماعی شبکه‌هایی را در هم می‌گیرد که دارای هنجارها، ارزش‌ها، فهم‌های مشترکی هستند و عملکردهای مشترک درون‌گروهی و بین‌گروهی را تسهیل می‌کند.

از بین تعاریف متعدد سرمایه‌ی اجتماعی پژوهش حاضر تعریف زیر را به کار می‌گیرد: "سرمایه‌ی اجتماعی شبکه‌ای از روابط و پیوندهای مبتنی بر اعتماد اجتماعی بین فردی و بین‌گروهی و تعاملات افراد با نهادها، سازمان‌ها و گروه‌های اجتماعی است که همبستگی و انسجام اجتماعی و برخورداری افراد و گروه‌ها از حمایت اجتماعی و انرژی لازم برای تسهیل کنش‌ها در جهت تحقق اهداف فردی و جمعی منجر می‌شود" ( Mousavi, 2008).

در این تحقیق سرمایه‌ی اجتماعی با سه بعد مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی و اعتماد اجتماعی مورد سنجش قرار گرفته است.

<sup>1</sup> social capital

(Offe, 1998) اعتماد را به معنای «باور به عملی که از دیگران انتظار می‌رود» می‌داند؛ البته این باور ممکن است نادرست باشد یا تغییر کند چرا که اعتماد «گمانه‌ای بر مبنای ارزیابی دیگران است بدون اینکه «اطمینانی» از رفتار دیگران وجود داشته باشد. همبستگی و انسجام اجتماعی: انسجام اجتماعی دلالت بر توافق جمعی میان اعضای یک جامعه دارد و به عبارتی «انسجام در کل ناظر به میزان و الگوی رابطه متقابل بین کنشگران، گروه‌ها و خرده فرهنگ‌های تمایز یافته است» (Afrough, 2008: 140). حمایت اجتماعی: حمایت اجتماعی به میزان برخورداری از محبت، همراهی و توجه اعضای خانواده، دوستان و سایر افراد تعریف شده است. برخی حمایت اجتماعی را واقعیتی اجتماعی و برخی دیگر آن را ناشی از ادراک فرد می‌دانند. ساراسون حمایت اجتماعی را مفهومی چندبعدی می‌داند که هر دو را در بر می‌گیرد (Sarason, 1988).

#### - سرمایه فرهنگی<sup>۱</sup>

شامل تمایلات و گرایش‌های روانی افراد نسبت به استفاده از کالاهای فرهنگی، میزان مصرف مستقیم کالاهای فرهنگی به‌طور عینی و مدارک و مدارج تحصیلی و علمی - فرهنگی افراد است. انواع سرمایه‌های فرهنگی از دیدگاه بوردیو می‌تواند به سه صورت تحلیل شود:

- ۱- حالت تجسم‌یافته یا ذهنی: سرمایه‌ی تجسم‌یافته نوعی ثروت بیرونی است که به‌عنوان بخش جدایی‌ناپذیر از فرد در آمده است این نوع سرمایه به صورت آمادگی‌های مداوم ذهن و جسم تجلی می‌یابد.
- ۲- حالت عینیت‌یافته: که فقط می‌تواند در ارتباط با حالت تجسم‌یافته سرمایه‌ی اجتماعی به تعریف درآید و به مواردی نظیر نوشته‌ها، نقاشی‌ها، بناهای تاریخی، ابزارها و نظایر آن اطلاق می‌شود.
- ۳- حالت نهادی شده: این حالت نوعی رسمیت بخشیدن نهادی به سرمایه‌ی فرهنگی فرد است. مدارک تحصیلی و آکادمیک نمونه‌ای از این حالت است.

#### بررسی روایی و پایایی متغیرهای پژوهش

برای اندازه‌گیری متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق و تعیین ابعاد آنها از تحلیل عاملی استفاده شده است. البته قبل از انجام این تحقیق برای قابلیت و نیکویی انجام

<sup>۱</sup> cultural capital

تحلیل عاملی سبک زندگی محیط زیستی آزمون آماری  $KMO^1$  انجام گرفته است. نتایج این آزمون در جدول ۲ نشان‌دهنده‌ی این است که این گویه‌ها برای بررسی متغیر مورد نظر در قالب مؤلفه‌های تعریف شده مطلوب است، نتایج ستون مقادیر ویژه<sup>۲</sup> نشان‌دهنده‌ی مطلوبیت ابعاد انتخاب شده متغیر سبک زندگی محیط زیستی است. برای بررسی مطلوبیت از روش چرخش واریماکس<sup>۳</sup> استفاده شده است. علاوه بر آزمون تحلیل عاملی، تحلیل روایی در مورد هر یک از عامل‌ها و متغیرهای مربوط به ابعاد سبک زندگی محیط زیستی صورت گرفته است. نتایج بدست آمده مندرج در جدول ۲ نشان می‌دهد هر یک از متغیرهای مربوط به چهار عامل، دارای ضریب روایی قابل قبول هستند و ضریب روایی کل متغیر سبک زندگی محیط زیستی نیز از حد مطلوبی برخوردار است.

**جدول ۲:** نتایج تحلیل عاملی و تحلیل روایی گویه‌های مربوط به متغیر سبک زندگی محیط

زیستی

**Table 2: Results of Factor Analysis and Validity Analysis of Items Related to Environmental Lifestyle Variables**

آلفای کرونباخ کل	آلفای کرونباخ	واریانس کل تبیین شده	مقادیر ویژه	واریانس تبیین شده	بار عاملی	گویه‌ها و سوالات مربوطه	ابعاد
<i>The total Cronbach's Alpha</i>	<i>Cronbach's Alpha</i>	<i>The Explained Total Variance</i>	<i>Eigenvalues</i>	<i>Explained Variance</i>	<i>Factor Load</i>	<i>Items And Questions</i>	<i>Dimensions</i>
		59.41	5.77	14.99	0.80	کم کردن درجه آب گرمکن در هنگام عدم استفاده از آب گرم	مصرف بهینه انرژی
					0.73	خاموش کردن وسایل گرمایی در موارد غیر ضروری	
					0.68	استفاده بهینه از ماشین لباسشویی	
	0.80				0.66	جلوگیری از هدر رفتن آب در زمان حمام، مسواک،	

<sup>1</sup> Kaiser-Mayer-Okin

<sup>2</sup> Eigenvalue

<sup>3</sup> Varimax Rotation

الفای کرونباخ کل	الفای کرونباخ	واریانس کل تبیین شده	مقادیر ویژه	واریانس تبیین شده	بار عاملی	گویه‌ها و سوالات مربوطه	ابعاد			
<i>The 'total Cronbach's Alpha</i>	<i>Cronbach's Alpha</i>	<i>The Explained Total Variance</i>	<i>Eigenvalues</i>	<i>Explained Variance</i>	<i>Factor Load</i>	<i>Items And Questions</i>	<i>Dimensions</i>			
						شست و شو				
					0.61	خاموش کردن چراغ‌های اضافی در منزل				
					0.58	استفاده از لباس گرم به جای بالا بردن درجه بخاری				
			3.17	13.58	0.75	شرکت در همایش‌های حمایت از محیط زیست	عملگرایی محیط زیستی			
		0.74			پرداخت پول برای حل مسائل محیط زیست					
		0.68			کاشتن گل و گیاه در حیاط خانه یا کوچه					
	0.79	0.66			رفتن به دامان طبیعت هر هفته یا هر ماه					
		0.66			توجه به غیر مضر بودن مواد شوینده برای محیط زیست					
		0.53			حفاظت از گیاهان در همه جا					
								0.72	استفاده مجدد از ظروف پلاستیکی و شیشه‌ای	بازیافت منابع قابل استفاده
					1.73	9.33		0.64	استفاده از پلاستیک و نایلون‌های خرید برای مصارف دیگر	
	0.68				0.64	استفاده از کالایی				

ابعاد	گویه‌ها و سوالات مربوطه	بار عاملی	واریانس تبیین شده	مقادیر ویژه	واریانس کل تبیین شده	الفای کرونباخ کل	الفای کرونباخ	
<i>Dimensions</i>	<i>Items And Questions</i>	<i>Factor Load</i>	<i>Explained Variance</i>	<i>Eigenvalues</i>	<i>The Explained Total Variance</i>	<i>The 'total Cronbach's Alpha</i>	<i>Cronbach's Alpha</i>	
که از موارد باز یافت شده ساخته شده‌اند	دادن وسایل اضافی خانه به دیگران برای استفاده	0.64	8.66	1.47				
	استفاده از دو روی کاغذ	0.39						
	ریختن زباله از شیشه ماشین به بیرون	0.78						
دفع مناسب زباله	ریختن زباله‌ها در سطل زباله	0.68					0.49	
مصرف بهینه برق	استفاده از لامپ کم مصرف	0.55	5.42	1.02				
	خرید وسایل برقی کم مصرف برای خانه	0.52						
استفاده از حمل و نقل عمومی	استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی به جای ماشین شخصی	0.68						
	گشت زدن مکرر در خیابان‌های شهر با ماشین	0.65						
					<i>KMO=0/825</i>	<i>Chi-square=2026/927</i>	<i>DF=276</i>	<i>Sig=0/000</i>

### یافته‌های پژوهش

#### الف) یافته‌های توصیفی

جامعه‌ی آماری این پژوهش دانشجویان دانشگاه تبریز است که تعداد ۳۰۲ نفر آنها به عنوان نمونه مورد بررسی قرار گرفتند. از میان آنها ۱۹۵ نفر مرد و ۱۰۷ نفر زن هستند، به

این ترتیب زنان ۳۵/۴ درصد و مردان ۶۴/۶ درصد از نمونه‌ی مورد بررسی را به خود اختصاص داده‌اند؛ همچنین، ۷۳/۵ درصد از پاسخگویان در شهر زندگی می‌کنند، ۱۷/۹ درصد ساکن روستا و ۰/۷ درصد نیز در سایر مناطق زندگی می‌کنند. حداقل سن پاسخگویان ۱۹ حداکثر ۳۷ سال و میانگین سنی افراد مورد بررسی ۲۳/۴۹ سال است. نتایج بررسی شاخه‌ی تحصیلی پاسخگویان نشان می‌دهد، ۳۲ درصد پاسخگویان در شاخه‌ی علوم انسانی و هنر، ۳۰ درصد در شاخه‌ی فنی و مهندسی، ۱۶ درصد کشاورزی و ۲۲ درصد در شاخه‌ی علوم پایه مشغول به تحصیل بودند. ۱۷۸ نفر یعنی ۵۹ درصد از پاسخگویان در مقطع کارشناسی و ۸۱ نفر از آنان (۲۷ درصد) در مقطع کارشناسی ارشد و ۴۳ نفر (۱۴/۲ درصد) در مقطع دکتری مشغول تحصیل می‌باشند. به لحاظ طبقه‌ی اجتماعی ۱۶ درصد دانشجویان خود را متعلق به طبقه‌ی اجتماعی پایین، ۸۰ درصد طبقه‌ی متوسط و حدود ۴ درصد خود را متعلق به طبقه‌ی اجتماعی بالا می‌دانند. از لحاظ درآمد ماهیانه‌ی خانوار پاسخگویان، ۳۱ درصد پاسخگویان درآمد زیر یک میلیون تومان، ۵۵ درصد یک تا سه میلیون و ۱۴ درصد بیشتر از سه میلیون درآمد ماهیانه‌ی خانوار داشتند.

متغیر سبک زندگی محیط زیستی که در تحقیق حاضر به‌عنوان متغیر وابسته مطرح می‌باشد متشکل از شش بعد است که با استفاده از ۲۳ گویه و سؤال در سطح اندازه‌گیری رتبه‌ای در پرسشنامه بررسی شده است. به این منظور از طیف لیکرت ۶ گزینه‌ای برای سنجش این متغیر استفاده شده و گزینه‌های به کار رفته، از خیلی کم تا خیلی زیاد در پرسشنامه با کدهای ۱ تا ۶ ارزش‌گذاری شده است لذا عملاً می‌تواند مقادیر حداقل ۲۳ تا حداکثر ۱۳۸ را بپذیرد. هیچ یک از افراد مورد بررسی بالاترین و پایین‌ترین نمره‌ی ممکن در این مقیاس را کسب نکرده‌اند این موضوع دال بر آن است که در جامعه‌ی مورد مطالعه، سبک زندگی بدون توجه به محیط زیست و یا سبک زندگی کاملاً مسئولانه در قبال رفتار با محیط زیست وجود ندارد.

بر اساس یافته‌های تحقیق، میانگین این متغیر برای پاسخگویان ۹۹/۵۹ به دست آمده است که بیشتر از میانگین محدوده تعریف شده است و معادل ۷۲/۱۶ درصد بیشترین نمره‌ی قابل اکتساب در این مقیاس است؛ این نتیجه نشان می‌دهد، سبک زندگی دانشجویان تا حدی به سبک زندگی محیط زیستی نزدیک است. بررسی آماره‌های توصیفی برای مؤلفه‌های سازنده‌ی این متغیر وابسته نشان می‌دهد نمرات مکتسبه‌ی پاسخگویان برای هر مؤلفه نیز غالباً بالاتر از میانگین نمره‌ی مقیاس به کار رفته برای سنجش آن است.

از بین ۶ مؤلفه به کار رفته برای سنجش متغیر وابسته، مؤلفه‌های دفع مناسب زباله و مصرف بهینه‌ی برق با کسب حدود ۸۰ درصد نمره‌ی مقیاس سنجش این مؤلفه‌ها، بیشترین مقدار را به خود اختصاص می‌دهند که گویای رفتار مناسب پاسخگویان در این زمینه است.

متغیر سرمایه‌ی اجتماعی به‌عنوان یکی از متغیرهای مستقل در تحقیق حاضر با ۳ بعد به وسیله‌ی ۱۵ گویه مورد ارزیابی قرار گرفته است. تمامی گویه‌ها در سطح اندازه‌گیری رتبه‌ای و با استفاده از طیف لیکرت در یک پیوستار ۶ قسمتی، از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق طراحی شده و با کدهای ۱ تا ۶ ارزش‌گذاری شده است. کد ۱ بیانگر نظر کاملاً مخالف و کد ۶ بیانگر نظر کاملاً موافق است. طبق مفاد جدول ۳ میانگین سرمایه‌ی اجتماعی پاسخگویان ۵۹/۷۷ به دست آمده که این رقم معادل ۶۶/۴۱ درصد بیشترین نمره‌ی قابل اکتساب در این مقیاس است. نتایج مربوط به مؤلفه‌های سازنده گویای آن است که نمره‌ی مخاطبان در مورد مؤلفه‌های سازنده این متغیر به ترتیب برای بعد انسجام اجتماعی ۲۳/۵ معادل ۷۸/۵ درصد نمره‌ی مقیاس مربوطه، برای بعد اعتماد اجتماعی ۱۲/۹ معادل ۵۳/۵ درصد نمره‌ی مقیاس و در نهایت ۲۳/۳۸ معادل ۶۴/۶۳ درصد مقیاس، برای بعد مشارکت اجتماعی محاسبه شده است که نمراتی بالاتر یا در حد میانگین قابل اکتساب در دامنه‌ی تغییرات این سه مؤلفه است.

متغیر مستقل سرمایه‌ی فرهنگی در کل با ۲۰ گویه، بر اساس سنجش سه مؤلفه‌ی سازنده‌ی آن در سطح رتبه‌ای ارزیابی شده است. تمام گویه‌ها با استفاده از طیف لیکرت هفت قسمتی که با کدهای ۱ تا ۷ ارزش‌گذاری شده، ارزیابی شده است. کد ۱ بیانگر کمترین مقدار و کد ۷ بیانگر بیشترین مقدار قابل اکتساب است. با توجه به داده‌های حاصل مشاهده می‌شود، برای میانگین متغیر سرمایه‌ی فرهنگی پاسخگویان، در دامنه‌ی تغییرات بین ۴۱ تا ۱۳۲ نمره‌ای برابر با ۸۷/۵۹ به دست آمده است که معادل ۶۲/۵۶ درصد مقیاس به کار رفته برای سنجش این متغیر است. بررسی مؤلفه‌های سازنده‌ی این متغیر نشان می‌دهد بعد نهادی با کسب نمره‌ای معادل ۴۰ درصد حداکثر نمره‌ی قابل اکتساب برای این مؤلفه کمترین مقدار را در مقایسه با دو بعد ذهنی و عینی به‌عنوان دیگر مؤلفه‌های سازنده‌ی متغیر سرمایه‌ی فرهنگی دارد. ارزیابی نمرات دو بعد دیگر نیز حاکی از آن است که اساساً متغیر سرمایه‌ی فرهنگی و ابعاد سازنده‌ی آن در جامعه‌ی مورد بررسی از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست.



متغیر معرفت محیط زیستی به‌عنوان یکی دیگر از متغیرهای مستقل در تحقیق حاضر در نظر گرفته شده و به واسطه‌ی ۵ گویه مورد ارزیابی قرار گرفته است. تمامی گویه‌ها در سطح اندازه‌گیری رتبه‌ای و با استفاده از طیف لیکرت در یک پیوستار ۶ قسمتی، از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق طراحی شده و با کدهای ۱ تا ۶ ارزش‌گذاری شده است. کد ۱ بیانگر نظر کاملاً مخالف و کد ۶ بیانگر نظر کاملاً موافق است. طبق جدول ۳ میانگین معرفت محیط زیستی پاسخگویان ۲۱/۲۶ می‌باشد که این رقم معادل ۷۰/۸۶ درصد بیشترین نمره‌ی قابل اکتساب در این مقیاس است.

### جدول ۳: اطلاعات توصیفی مربوط به متغیرهای تحقیق

**Table 3: Descriptive Information of Research Variables**

وضعیت پاسخها	میانگین درصدی	میانگین	دامنه تغییرات	تعداد سؤال	متغیرهای تحقیق و ابعاد آنها
<i>Responses Status</i>	<i>Average Percentage</i>	<i>Average</i>	<i>Variation Range</i>	<i>Number of Questions</i>	<i>Research Variables and Their Dimensions</i>
تا حدی زیاد - زیاد	72.16	99.59	133-52	23	سبک زندگی زیست‌محیطی
تا حدی زیاد - زیاد	76.97	27.71	36-14	6	(۱) مصرف بهینه انرژی
تا حدی کم - تا حدی زیاد	61	21.97	36-6	6	(۲) عملگرایی محیط زیستی
تا حدی زیاد - زیاد	71.9	21.57	30-8	5	(۳) بازیافت منابع قابل استفاده
تا حدی زیاد - زیاد	80.75	9.69	12-2	2	(۴) دفع مناسب زباله‌ها
تا حدی زیاد - زیاد	80.83	9.7	12-2	2	(۵) مصرف بهینه برق
تا حدی زیاد - زیاد	72.75	8.73	12-2	2	(۶) ترجیح وسایل حمل و نقل عمومی
تا حدی مخالف - تا حدی موافق	6.41	59.77	84-31	15	سرمایه‌ی اجتماعی
تا حدی زیاد - زیاد	70.4	23.52	30-12	5	(۱) انسجام اجتماعی
تا حدی کم - تا حدی زیاد	53.87	12.93	23-4	4	(۲) اعتماد اجتماعی
تا حدی کم - تا حدی زیاد	64.95	23.38	36-6	6	(۳) مشارکت اجتماعی
تا حدی کم - تا حدی زیاد	62.56	87.59	123-41	20	سرمایه فرهنگی
تا حدی کم - تا حدی زیاد	63.07	35.32	14-55	8	(۱) بعد عینی
تا حدی زیاد - زیاد	72.93	40.84	56-14	8	(۲) بعد ذهنی
خیلی کم - کم	40.42	11.32	21-5	4	(۳) بعد نهادی

**ب) یافته‌های استنباطی**

برای آزمون وجود رابطه بین سبک زندگی محیط زیستی به‌عنوان متغیر وابسته تحقیق با متغیر مستقل معرفت محیط زیستی از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد، در سطح اطمینان مورد بررسی، این دو متغیر با هم ارتباط مثبت و معنادار خطی دارند، به این ترتیب که با افزایش معرفت محیط زیستی، سبک زندگی محیط زیستی دانشجویان نیز بهبود پیدا می‌کند. ضریب همبستگی محاسبه شده معادل  $0/302$  و بیانگر آن است که با افزایش معرفت زیست‌محیطی، سبک زندگی محیط زیستی افراد با شیبی معادل ضریب محاسبه شده افزایش می‌یابد.

برای آزمون فرضیه در مورد وجود ارتباط بین سبک زندگی محیط‌زیستی و سرمایه‌ی اجتماعی نیز از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. در سطح اطمینان مورد بررسی، ضریب همبستگی محاسبه شده معنی‌دار است که نشان می‌دهد بین سبک زندگی محیط زیستی و سرمایه‌ی اجتماعی بر حسب ابعاد در نظر گرفته شده در این تحقیق رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد. با توجه به مقدار ضریب محاسبه شده که معادل  $0/33$  است، می‌توان گفت سرمایه‌ی اجتماعی یکی از عوامل همبسته با سبک زندگی محیط زیستی دانشجویان است. محاسبات انجام شده برای مؤلفه‌های سازنده‌ی متغیر سرمایه‌ی اجتماعی نشان می‌دهد در میان ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی، شدت همبستگی بعد مشارکت اجتماعی با سبک زندگی محیط زیستی بیشتر از سایر ابعاد است. مؤلفه‌ی انسجام اجتماعی نسبت به سایر ابعاد بررسی شده کمترین همبستگی را با سبک زندگی محیط زیستی دارد. برای آزمون ارتباط بین سبک زندگی محیط زیستی با متغیر مستقل سرمایه‌ی فرهنگی و ابعاد آن، نیز از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. طبق جدول ۴ مشاهده می‌شود بین سبک زندگی محیط زیستی و متغیر سرمایه‌ی فرهنگی در سطح اطمینان مورد بررسی، ارتباط مثبت و معنی‌داری وجود دارد. مقدار محاسبه شده برای این ضریب بیانگر آن است که با افزایش سرمایه‌ی فرهنگی، مقدار متغیر سبک زندگی محیط زیستی دانشجویان نیز با شیبی معادل  $0/243$  افزایش می‌یابد. یافته‌ها نشان می‌دهد در میان ابعاد سرمایه‌ی فرهنگی، بعد عینی و بعد ذهنی ارتباط مثبت و معنی‌داری با زندگی محیط‌زیستی دارند، ولی بین بعد نهادی سرمایه‌ی فرهنگی با سبک زندگی زیست‌محیطی ارتباط معنی‌داری وجود ندارد.

**جدول ۴:** نتایج آزمون همبستگی سبک زندگی محیط زیستی با متغیرهای مستقل  
**Table 4: Results of Correlation Test between Environmental Lifestyle with Independent Variables**

متغیر	آزمون	معرفت محیط زیستی	سرمایه اجتماعی	انسجام اجتماعی	اعتماد اجتماعی	مشارکت اجتماعی	سرمایه فرهنگی	بعد عینی	بعد ذهنی	بعد نهادی
Variable	Test	Environmental Knowledge	Social Capital	Social Integration	Social Trust	Social Participation	Cultural Capital	Objective Dimension	Mental Dimension	Institutional Dimension
سبک زندگی محیط زیستی	ضریب همبستگی	0.302	0.332	0.163	0.188	0.338	0.243	0.193	0.194	0.041
	سطح معنی‌داری	0.000	0.000	0.010	0.003	0.000	0.000	0.003	0.003	0.527
	تعداد مشاهدات	243	235	245	245	241	224	241	241	237

برای آزمون تفاوت سبک زندگی محیط زیستی بر حسب جنسیت از آزمون تفاوت میانگین‌ها برای دو متغیر مستقل (*T-TEST*) استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد سبک زندگی محیط زیستی پاسخگویان بر حسب جنسیت آنها تفاوت معنی‌داری ندارد. به عبارت دیگر، جنسیت دانشجویان در سبک زندگی آنها به لحاظ رفتار در قبال محیط زیست تأثیری ندارد. برای بررسی تفاوت سبک زندگی دانشجویان به تفکیک محل سکونت از مقایسه‌ی میانگین‌ها بر اساس آزمون (*T-TEST*) برای گروه‌های مستقل استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد با وجود اینکه میانگین نمرات متغیر وابسته برای دانشجویان شهری و روستایی متفاوت است لیکن تفاوت مشاهده شده از لحاظ آماری معنی‌دار نیست. این به معنای اثبات فرضیه‌ی صفر مبنی بر این است که هیچ تفاوت معناداری بین سبک زندگی محیط زیستی دانشجویان ساکن شهر و روستا وجود ندارد.

**جدول ۵:** نتایج آزمون *T* متغیر سبک زندگی زیست‌محیطی بر حسب جنسیت و محل سکونت  
**Table 5: Results of T-Test of Environmental Lifestyle by Gender and Location**

متغیر وابسته	متغیر مستقل	تعداد	میانگین	مقدار <i>t</i>	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
Dependent Variable	Independent Variable	No.	Average	The Value of T	df	Sig
سبک زندگی زیست محیطی	مرد	160	98.78	-1.280 <sup>ns</sup>	246	0.202
	زن	88	101.105			
	ساکن شهر	182	99.64	0.395 <sup>ns</sup>	222	0.693
	ساکن روستا	42	98.70			

*ns* غیر معنی‌دار در سطح اطمینان ۹۹ درصد

برای آزمون ارتباط بین سن دانشجویان با متغیر سبک زندگی محیط زیستی از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد بین سن دانشجویان با متغیر سبک زندگی محیط زیستی همبستگی معنی‌داری وجود ندارد.

**جدول ۶:** نتایج ضریب همبستگی پیرسون بین سن دانشجو و سبک زندگی محیط زیستی  
**Table 6: Results of Pearson Correlation Coefficient between Student Age and Environmental Lifestyle**

سن		متغیر وابسته
Age		Dependent Variable
0.067 <sup>ns</sup>	ضریب همبستگی پیرسون	سبک زندگی محیط زیستی
0.299	سطح معنی‌داری	
241	تعداد مشاهدات	

*ns* غیر معنی‌دار در سطح اطمینان ۹۹ درصد

برای بررسی تفاوت سبک زندگی دانشجویان به تفکیک شاخه‌ی تحصیلی از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه "ANOVA" یا آزمون *F* استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد میانگین نمرات میانگین متغیر وابسته بر حسب شاخه‌ی تحصیلی، تفاوت معنی‌داری با هم ندارند. به عبارت دیگر سبک زندگی محیط زیستی دانشجویان در شاخه‌های تحصیلی مختلف، غالباً تفاوتی با هم ندارد.

برای کشف وجود یا عدم وجود تفاوت میانگین متغیر وابسته بر اساس مقطع تحصیلی، نیز از تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شده است. طبق مفاد جدول ۷ ملاحظه می‌شود که میانگین متغیر سبک زندگی محیط زیستی بر حسب مقطع تحصیلی دانشجویان تفاوت معنی‌داری ندارد. به عبارت دیگر افزایش سطح تحصیلات از مقطع کارشناسی تا مقطع دکتری تأثیری در سبک زندگی محیط زیستی دانشجویان ندارد.

برای آزمون تفاوت سبک زندگی محیط زیستی بر اساس درآمد ماهیانه‌ی خانوار دانشجویان نیز از تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شده است. همچنان که یافته‌ها نشان می‌دهد میانگین‌های سبک زندگی محیط زیستی بر اساس درآمد ماهیانه‌ی خانوار دانشجویان تفاوت معنی‌داری با هم دارد. نتایج آزمون *LSD* نشان می‌دهد بیشترین قدر مطلق تفاوت میانگین گروه‌ها بر حسب درآمد، بین گروه دارای درآمد ۵۰۰ هزار تومان تا یک میلیون تومان با گروه دارای درآمد بیش از سه میلیون تومان است. علامت جبری تفاوت میانگین این دو گروه حاکی از آن است که سبک زندگی گروه با درآمد کمتر به

سبک زندگی محیط زیستی نزدیک‌تر است. در مقایسه‌ی سایر گروه‌های درآمدی با گروه دارای درآمد ۵۰۰ هزار تا یک میلیون تومان نیز چنین روند البته با شدت کمتر مشاهده می‌شود. به عبارت دیگر براساس یافته‌های مندرج در جدول به نظر می‌رسد هر چه میزان درآمد ماهیانه‌ی خانوار از یک میلیون تومان بیشتر می‌شود، توجه و یا اهتمام به سبک زندگی محیط‌زیستی کمتر می‌شود.

نتایج به دست آمده از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه برای بررسی تفاوت متغیر وابسته‌ی تحقیق بر حسب طبقه‌ی اجتماعی، نشان می‌دهد، تفاوت میانگین متغیر سبک زندگی محیط زیستی بر اساس طبقه‌ی اجتماعی که دانشجویان خود را متعلق به آن می‌دانند معناداری نیست.

**جدول ۷:** نتایج آزمون تحلیل واریانس سبک زندگی زیست‌محیطی به تفکیک شاخه‌ی تحصیلی، مقطع تحصیلی، درآمد ماهیانه‌ی خانوار و طبقه‌ی اجتماعی

**Table 7: Results of Analysis of Variance for Environmental Lifestyle by Field of Study, Degree, Monthly Household Income and Social Class**

متغیر	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی‌داری
Variable	Source of Changes	Total Squares	df	Average of Squares	F	Sig
سبک زندگی زیست محیطی	شاخه تحصیلی	بین گروهی	333	151.155	0.278 <sup>ns</sup>	0.842
		درون گروهی	244	44294.893		
		کل	247	44446.48		
	مقطع تحصیلی	بین گروهی	2	505.858	1.140	0.246
		درون گروهی	245	43940.190		
		کل	247	44446.048		
	درآمد ماهیانه خانوار	بین گروهی	6	2335.673	*2.255	0.039
		درون گروهی	277	39194.846		
		کل	233	41530.483		
طبقه اجتماعی	بین گروهی	5	1797.966	2.112 <sup>ns</sup>	0.065	
	درون گروهی	236	40189.043			
	کل	241	41987.008			

\* ضریب محاسبه شده در سطح اطمینان ۹۹ درصد

### تحلیل رگرسیونی تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر سبک زندگی محیط زیستی

برای سنجش میزان اثر متغیرهای مستقل شامل معرفت زیست‌محیطی، سرمایه‌ی اجتماعی و سرمایه‌ی فرهنگی و ابعاد آنها، همچنین متغیرهای شناسایی بر سبک زندگی محیط زیستی به‌عنوان متغیر وابسته‌ی تحقیق، از تحلیل رگرسیونی چند متغیره بر اساس روش حداقل مربعات<sup>۱</sup> و با استفاده از روش گام به گام<sup>۲</sup> استفاده شده است. در روش گام به گام وارد شدن متغیرها به تحلیل رگرسیونی در اختیار محقق نیست و اولین متغیر پیش‌بین<sup>۳</sup> بر اساس بالاترین ضریب همبستگی با متغیر وابسته وارد تحلیل رگرسیونی می‌شود و سپس سایر متغیرهای پیش‌بینی کننده بر حسب میزان همبستگی جزئی یا نیمه جزئی در تحلیل وارد می‌شوند.

در مدل رگرسیونی حاضر کلیه‌ی متغیرهای مستقل و همچنین متغیرهای شناسایی وارد معادله‌ی رگرسیونی شده است. نتایج به دست آمده نشانگر آن است از میان متغیرهای مستقل و شناسایی که وارد معادله شده‌اند، متغیرهای مشارکت اجتماعی، معرفت محیط زیستی همچنین بعد عینی سرمایه‌ی فرهنگی در مدل نهایی باقی مانده‌اند. چنانچه در جدول ۸، مشاهده می‌شود ضریب همبستگی چند گانه برای این مدل رگرسیونی معادل ۰/۴۴۹ و مجذور آن یعنی ضریب تبیین معادله‌ی رگرسیونی معادل ۰/۲۰۲ و ضریب تبیین تعدیل شده معادل ۰/۱۹۰ است. چنین استنباط می‌شود که این سه متغیر در مجموع ۱۹ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. یعنی ۱۹ درصد از تغییرات سبک زندگی محیط زیستی دانشجویان توسط این ۳ متغیر که در معادله‌ی رگرسیونی باقی مانده‌اند تبیین می‌شود.

بر این اساس مدل رگرسیونی سبک زندگی محیط زیستی به شرح زیر خواهد بود.

= سبک زندگی محیط زیستی

$$(بعد عینی سرمایه‌ی فرهنگی) + ۰/۱۶۰ + (معرفت محیط زیستی) + ۰/۱۸۰ + (مشارکت اجتماعی) + ۰/۳۲۵ + ۵۱/۲۵۸$$

بر اساس معادله‌ی فوق، ملاحظه می‌شود که متغیر سبک زندگی محیط زیستی بیش از هر چیز از مشارکت اجتماعی و سپس معرفت محیط زیستی تأثیر می‌پذیرد. در نهایت

<sup>۱</sup> OLS

<sup>۲</sup> stepwise regression

<sup>۳</sup> predictor

بعد عینی سرمایه‌ی فرهنگی با بتای ۰/۱۶۰ تأثیر کمتری در سبک زندگی محیط زیستی دانشجویان دارد.

**جدول ۸:** آماره‌های تحلیل رگرسیون چند متغیره سبک زندگی زیست‌محیطی

**Table 7: Multivariate Regression Analysis of Environmental Lifestyle**

متغیر	بتا	T	معنی‌داری	ضریب همبستگی چند گانه	0.449
Variable	$\beta$	T	Sig	ضریب تبیین	0.202
عرض از مبدا	---	6.088	0.000	ضریب تبیین تصیح شده	0.190
مشارکت اجتماعی	0.325	5.103	0.000	کمیت دوربین واتسون	1.940
معرفت محیط زیستی	0.180	2.843	0.005		
بعد عینی سرمایه‌ی فرهنگی	0.160	2.538	0.012	تحلیل واریانس	کمیت F
					17.369
				سطح معناداری	0.000

### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر سعی نموده با دیدگاهی جامعه‌شناختی برخی عوامل مؤثر در تحقق سبک زندگی محیط زیستی را که بر اساس رویکردهای نو در جامعه‌شناسی مطرح می‌باشد، توضیح دهد. با توجه به تعدد ابعاد سازنده متغیر وابسته مورد نظر، عوامل مختلفی می‌تواند بر آن تأثیر گذارد، لیکن تبیین تأثیر ساختار و کنش‌های اجتماعی مؤثر بر سبک زندگی، به وسیله‌ی رویکرد جامعه‌شناختی به مسأله‌ی مورد بررسی انجام می‌گیرد. دیدگاه‌های نظری متعددی در این زمینه وجود دارد، تحقیق حاضر سعی نموده با استفاده از برخی نظریه‌های معاصر مطرح در این زمینه، به بررسی و بحث پیرامون موضوع بپردازد. در این تحقیق از مباحث تلفیقی عاملیت و ساختار استفاده شده است. نظریاتی که بر عاملیت تأکید دارند بر نقش اراده‌ی آزاد انسان‌ها در کنش‌های افراد تکیه می‌کنند، در مقابل دیدگاه‌هایی که رویکرد ساختاری دارند معتقدند کنش‌های انسانی به شدت تحت تأثیر عوامل ساختاری و فرهنگی است. برای رفع این تضاد در نگرش به پدیده‌های اجتماعی بحث تلفیق عاملیت و ساختار مطرح شده است. نظریه‌های تلفیقی برای فهم و تبیین پدیده‌های اجتماعی به ایجاد پیوند بین ساختار دنیای اجتماعی و روابط انسانی با دنیای درونی افراد می‌پردازند.

اساس کار پژوهش حاضر مبتنی بر تبیین سبک زندگی محیط زیستی دانشجویان به‌عنوان تنها متغیر وابسته‌ی تحقیق بر اساس پاره‌ای از عوامل فردی و اجتماعی است. سبک زندگی محیط زیستی در واقع به انتخاب الگوهایی مربوط می‌شود که در ارتباط با آسیب و زیان نرساندن به محیط زیست مصداق پیدا می‌کند. سبک زندگی مجموعه‌ای از رفتارهای روزمره‌ی افراد در بلندمدت است و لذا انتظار می‌رود این رفتارها تحت تأثیر نگرش به موضوع محیط زیست، جنسیت، سن، شرایط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی افراد باشد. مطابق با نظریه‌ی بوردیو، انتخاب‌های افراد تحت تأثیر عوامل فردی و اجتماعی برای متمایز نمودن موقعیت‌های اجتماعی آنها است، به این ترتیب انتظار می‌رود، انتخاب‌های افراد برای مصرف تحت تأثیر عواملی نظیر سن، وضعیت تأهل، تحصیلات، اشتغال، طبقه‌ی اقتصادی و اجتماعی قرار گیرد و لاجرم این عوامل بر هر آنچه متأثر از نوع و میزان مصرف باشد مؤثر واقع شوند.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد تغییر سن دانشجویان، تأثیری در سبک زندگی محیط زیستی آنان نداشته است. به نظر می‌رسد از آنجا که دامنه‌ی تغییر سن دانشجویان در ایام تحصیل زیاد نیست و در محدوده‌ای کوچک نوسان می‌کند این امر مانع از آن شده است که تأثیر معناداری بر انتخاب‌های افراد در رابطه با رفتار در قبال محیط زیست مشاهده شود.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد تغییر مقطع و رشته‌ی تحصیلی نیز تفاوت معناداری در سبک زندگی زیست‌محیطی دانشجویان ایجاد نمی‌کند به‌عبارت دیگر در محیط دانشگاه و در ایام دانشجویی، متغیرهای سن، مقطع و رشته‌ی تحصیلی جزء متغیرهای تأثیرگذار و تبیین‌کننده‌ی سبک زندگی محیط زیستی دانشجویان نیستند. همچنین میانگین سبک زندگی محیط زیستی بر حسب طبقه‌ی اقتصادی و اجتماعی تغییر نمی‌کند. بر اساس نتایج پژوهش ۸۰/۳ درصد مخاطبان خود را به طبقات متوسط (از متوسط به پایین تا متوسط به بالا) منتسب می‌دانند این امر منجر به تمرکز نمرات میانگین پاسخ‌ها در یک دامنه‌ی کوچک و محدود شده و باعث گشته تفاوت معناداری بین میانگین‌ها مشاهده نشود. بررسی نتایج برخی از پژوهش‌های پیشین انجام یافته در خصوص نگرش و رفتار محیط زیستی نشان می‌دهد، جنسیت عامل تأثیرگذاری بر رفتار مسئولانه در قبال محیط زیست است و زنان توجه بیشتری به حفاظت از محیط زیست دارند، در حالی که نتایج تحقیق حاضر تفاوت معنی‌داری بین دو جنس در میانگین سبک زندگی محیط زیستی نشان نمی‌دهد به‌عبارت دیگر جنسیت عامل تأثیرگذاری بر میزان تغییرات متغیر وابسته نمی‌باشد. بررسی



مفاهیم و تعاریف مورد آزمون حاکی از آن است که احتمالاً تفاوت در ابعاد مورد بررسی این پژوهش برای سنجش متغیر وابسته با تحقیقات قبلی انجام یافته، منشأ ایجاد چنین مغایرتی در نتایج باشد.

یافته‌ها نشان می‌دهد میانگین سبک زندگی بر حسب درآمد ماهیانه‌ی خانوار دانشجویان تفاوت معناداری دارد. درآمد و سرمایه‌ی اقتصادی متغیری است که می‌تواند به‌طور مستقیم و غیر مستقیم بر سبک زندگی محیط زیستی دانشجویان تأثیرگذار باشد. مسلماً افرادی که درآمد بالایی دارند، میزان بیشتری از مصرف را تجربه می‌کنند و مصرف بیشتر و عادات مصرفی که در زندگی افراد شکل می‌گیرد؛ می‌تواند در بسیاری از موارد زندگی آنها تأثیرگذار باشد. این یافته همسو با نظریاتی است که بر اساس آن شکل‌گیری سبک زندگی تابع شرایط زندگی، اجتماعی‌شدن در طول زندگی و موقعیت اقتصادی و اجتماعی افراد است. بر اساس نتایج به دست آمده یکی از عوامل مهم مرتبط با سبک زندگی محیط زیستی دانشجویان، معرفت محیط زیستی آنها است که ارتباط مستقیم و معناداری با متغیر وابسته دارد. البته این رابطه وابستگی مستقیمی با معرفت اجتماعی افراد دارد. از آنجا که معرفت اجتماعی به‌طور عام و معرفت محیط زیستی به‌طور خاص تابع مقتضیات زمانی و مکانی است، می‌توان گفت در عصری که مباحث محیط زیستی یکی از موضوعات مهم و اصلی مباحث اجتماعی را تشکیل می‌دهد و لاجرم منجر به افزایش معرفت اجتماعی در این خصوص می‌شود، بدیهی است افزایش معرفت محیط زیستی افزایش توجه به سبک زندگی محیط زیستی را در پی خواهد داشت.

در کنه نظریات رهیافت جدید بوم محور در خصوص نگرش انسان به طبیعت نیز آنچه مورد تأکید کاتن و دانلپ قرار دارد این موضوع است که انسان توانایی تغییر در نگرش و جهان‌بینی خود را دارد و قادر است با احتساب خود به‌عنوان بخشی از طبیعت، اثر اجتماع را بر محیط شناسایی نموده و با اتخاذ رویکردهای جدید به محیط زیست از تخریب و نابودی آن جلوگیری نماید. انجام رفتارهای محیط زیستی افراد جامعه، تا حد زیادی بستگی دارد به فهم و نگرش آنها نسبت به موضوع محیط زیست و روابط متقابل انسان با جهان طبیعی که در آن زندگی می‌کند.

عوامل تعیین‌کننده‌ی دیگری نیز وجود دارند که مهم به نظر می‌رسند، انواع سرمایه و مؤلفه‌های سازنده‌ی آنها از جمله این عوامل می‌باشند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد سه‌گانه‌ی آن و همچنین بعد عینی سرمایه‌ی فرهنگی ارتباط مستقیم و معناداری با سبک زندگی محیط زیستی دانشجویان دارند. بر اساس نظریات پیر

بوردیو، رفتار و انتخاب انسان‌ها در میدان و در زمینه‌ی اجتماعی، بستگی به میزان برخورداری افراد از میزان سرمایه‌ها دارد. به عبارت دیگر، افراد با توجه به میزان برخورداری خود از اشکال سه‌گانه‌ی سرمایه (اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) رفتار و کنش‌های خاصی در زمینه‌های متفاوت، از خود بروز می‌دهند. می‌توان گفت در سبک زندگی محیط زیستی که مبتنی بر انتخاب الگوهای خاصی در زندگی اجتماعی است که سازگاری بیشتری با محیط زیست داشته باشند، وجود شکل‌های مختلف سرمایه می‌تواند در ایجاد تفاوت در سبک زندگی محیط زیستی دانشجویان نقش شایانی ایفا نماید. سرمایه‌ی اجتماعی در روابط و شبکه‌ی روابط کنشگران اجتماعی ظهور می‌یابد، از این‌رو در محیط‌هایی مثل دانشگاه که امکان وجود شبکه‌های مختلف روابط اجتماعی برای کنشگران فراهم است، سرمایه‌ی اجتماعی در انتخاب الگوهای سازگار با محیط زیست اهمیت بنیادی دارد.

سرمایه‌ی اجتماعی برای بوردیو، موقعیت‌ها و روابط در گروه و شبکه‌های اجتماعی، دسترسی به فرصت‌ها، اطلاعات، منابع مادی و موقعیت اجتماعی را برای افراد افزایش می‌دهد. بوردیو تطابقی میان جایگاه اجتماعی، سلیقه‌ها و رفتارها در نظر می‌گیرد. او سرمایه‌ی اجتماعی را جمع منابع واقعی یا بالقوه حاصل از شبکه‌ی روابط نهادینه شده و مبتنی بر آگاهی و همچنین بازشناخت متقابل اعضا گروه می‌داند، شبکه‌ای که هر یک از اعضای خود را از پشتیبانی سرمایه‌ی جمعی برخوردار و مستحق اعتبار می‌سازد. بدین‌سان حجم سرمایه‌ی اجتماعی مورد تملک فرد به اندازه‌ی شبکه‌ی پیوندهایی بستگی دارد که او می‌تواند به‌طور مؤثر بسیج کند (Delaviz, 2004: 62).

نتایج پژوهش نشان می‌دهد از بین متغیرهای مورد بررسی، بعد مشارکت اجتماعی، مؤثرترین عامل در ایجاد سبک زندگی محیط زیستی افراد به شمار می‌رود و رابطه‌ی معنی‌دار نسبتاً قوی بین این متغیر با سبک زندگی محیط زیستی مخاطبان مشاهده می‌شود. در تبیین نظری این موضوع می‌توان به نظریه‌ی پوتنام اشاره کرد که به پیوندهای اجتماعی و نقش آن در شکل‌گیری ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی نقش می‌پردازد. او معتقد است هنجارها و اعتماد اجتماعی که از طریق شبکه‌ها حاصل می‌شود، جنبه‌هایی از زندگی اجتماعی است که مشارکت‌کنندگان را قادر می‌سازد تا در کنار یکدیگر و به‌طور مؤثر اهداف مشترک را پیگیری کنند.

بر اساس یافته‌های پژوهش بین سبک زندگی محیط زیستی و درآمد خانوار رابطه‌ی معنی‌دار و مستقیم وجود دارد. برای تبیین هر چه بهتر این موضوع می‌توان از نظریه‌ی بوردیو در مورد انواع سرمایه به‌عنوان عاملی که در سامان‌دهی پایگاه و سبک زندگی افراد

دخیل است استفاده نمود. به اعتقاد او کنش‌های موجود در یک عرصه نه تنها بازتاب موقعیت‌های موجود در آن عرصه، بلکه متأثر از اشکال متفاوت سرمایه در عرصه‌ها است. از نظر بورديو سرمایه‌ی اقتصادی که در قالب درآمد و مالکیت جلوه می‌کند، توانایی کنشگر را برای کنش در جامعه افزایش می‌دهد. یافته‌ها حاکی از آن است که رابطه‌ی مستقیم متوسطی بین درآمد و سبک زندگی وجود دارد به طوری که با کاهش سرمایه و توان اقتصادی فرد، میزان سبک زندگی محیط زیستی افزایش می‌یابد. به نظر می‌رسد این متغیر به صورت مستقیم و غیر مستقیم با تأثیر بر مصرف بر سبک زندگی تأثیر می‌گذارد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد بیشترین تأثیر این متغیر در افزایش مؤلفه‌ی حمل و نقل است. بدیهی است که با افزایش درآمد و سرمایه‌ی اقتصادی امکان مالکیت خودروی شخصی برای افراد بیشتر می‌شود، تبدیل شدن مالکیت خودروی شخصی به نوعی شاخص منزلت اجتماعی منجر به گسترش استفاده و وابستگی به اتومبیل در زندگی روزانه در نهایت منجر به کاهش استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی می‌شود. این نتایج با یافته‌های تحقیق پورتینگا و همکاران نیز همسو است. آنها نیز به این نتیجه رسیدند که میزان استفاده از انرژی و حمل و نقل با درآمد رابطه دارد، هر چه میزان درآمد خانوار بالاتر رود، ملاحظات محیط زیستی کاهش و میزان استفاده از انرژی و تمایل به استفاده از خودروی شخصی افزایش پیدا می‌کند.

این نتایج با نظریات بورديو نیز همسو است که استفاده از کالاهای مصرفی را نشانه‌ای برای منزلت و تثبیت موقعیت‌های اجتماعی فرد فرض می‌کند. او برای چنین رفتاری، اصطلاح «مصرف نمایشی» را به کار می‌برد و معتقد است ثروت، یعنی مالکیت و حاکمیت، که نشانه‌ی طبقه‌ی اجتماعی است. به این ترتیب فرد به وسیله‌ی مصرف و تملک منوط به آن می‌خواهد تمایز اجتماعی خود را در یک طبقه نشان دهد.

هر چند به نظر می‌رسد با افزایش تحصیلات و امکان افزایش آگاهی در مورد مخاطرات محیط زیست باید رفتارهای مسئولانه در قبال محیط زیست افزایش یابد، اما یافته‌ها نشان می‌دهد تأثیر افزایش سطح و نوع تحصیلات در سبک زندگی محیط زیستی تأثیری ندارد. برای تبیین این موضوع می‌توان به نظریات بورديو اشاره نمود. از نظر بورديو مصرف و تشخیص افراد که از طریق کارکرد عملی ذائقه اتفاق می‌افتد، با جهت‌دهی به مصرف، دائماً ضرورت‌ها را به اولویت‌ها تبدیل می‌کند و مجموعه‌ای از انتخاب‌ها و در نهایت سبک زندگی را سامان می‌بخشد. بورديو با تحلیل شیوه‌های مصرف تأکید می‌کند، مصرف صرفاً تحت تأثیر سرمایه‌ی اقتصادی نیست بلکه تمایزی که در قلمرو اجتماعی بین

گروه‌های با سرمایه‌ی متفاوت شکل می‌گیرد بستگی به محیط و آموزشی دارد که عمدتاً در قالب انتقال فرهنگ و به صورتی اکتسابی رخ می‌دهد. به این ترتیب او سرمایه‌ی فرهنگی را به‌عنوان یکی دیگر از عوامل تمایز بین گروه‌های اجتماعی مطرح می‌کند.

به اعتقاد بوردیو رابطه بین "موقعیت‌های اجتماعی" و "سبک‌های زندگی" مبین آن است که این دو مفهوم از سرمایه‌ی فرهنگی افراد نیز تأثیر می‌پذیرند. سبک زندگی با بخشی از سرمایه‌ی فرهنگی در ارتباط است که ارزش‌ها و هنجارها از جمله ارزش‌ها و هنجارهای محیط زیستی را شکل می‌دهند. اما بررسی توابع سازنده‌ی سرمایه‌ی فرهنگی شامل بعد ذهنی، عینی و نهادی، نشان می‌دهد از میان ابعاد سازنده‌ی این متغیر بعد عینی سرمایه‌ی فرهنگی که به ارزیابی عملیاتی شدن گویه‌های مرتبط با سنجش میزان سرمایه‌ی فرهنگی می‌پردازد رابطه‌ی معناداری با سبک زندگی محیط زیستی دانشجویان دارد. این نتیجه حاکی از آن است: تا زمانی که آگاهی، دانش و معرفت در باب یک مسأله به صورت عملیاتی در نیامده است تأثیری در وقوع و یا تغییر پدیده‌های اجتماعی مرتبط با آن مسئله نخواهد داشت. عاملان اجتماعی در هر موقعیتی که قرار دارند تنها در صورتی می‌توانند تأثیرگذار باشند که معرفت و دانش خود پیرامون موضوع را به‌صورت عملیاتی درآورند. وجود رابطه‌ی مستقیم و نسبتاً قوی بین متغیر سرمایه‌ی فرهنگی با بعد عملگرایی محیط زیستی نیز همسو با نظریات مطرح شده در این زمینه است.

### پیشنهادات پژوهش

به‌طور کلی نتایج به‌دست آمده از بررسی عوامل مرتبط با سبک زندگی محیط زیستی نشان می‌دهد از میان متغیرهای مورد بررسی، مشارکت اجتماعی مخاطبان با داشتن بیشترین ضریب همبستگی با متغیر وابسته، مؤثرترین عامل در سبک زندگی محیط زیستی است. به این ترتیب می‌توان گفت استفاده از مشارکت اجتماعی مؤثرترین راهکار حفاظت از محیط زیست است.

بخش اعظم مخاطرات محیط زیستی از درون خانه‌ها آغاز می‌شود. آنچه در این میان اهمیتی وافر دارد تغییر نوع نگرش ابزاری افراد نسبت به محیط زیست و مسائل آن است، سبک زندگی، متأثر از نوع نگرش و جهان‌بینی فرد می‌باشد لذا نگرش عامل مؤثر در جهت‌دهی به رفتار در زندگی افراد است. به نظر می‌رسد بهترین اقدام در این زمینه آموزش مؤثر رفتارهای منجر به حفظ محیط زیست به دانشجویان است که با تکیه بر ارتقاء معرفت و باور افراد به حفاظت از محیط زیست، به‌عنوان یک ضرورت حیاتی برای تداوم

رفاه و بهزیستی در جامعه صورت گیرد. در این صورت است که می‌توان از لزوم استفاده‌ی محتاطانه از منابع طبیعی برای حفظ آن برای نسل‌های آینده، کنترل هماهنگی تولید با ساختار طبیعت، همسویی فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی با محیط زیست؛ کنترل تولید زباله‌های صنعتی و غیر قابل بازیافت، ایجاد فرهنگ مصرف‌سازگار با محیط زیست و متناسب با امکانات طبیعی محل زندگی به جای ایدئولوژی مصرف‌گرایی؛ احترام به طبیعت به جای نگرش ابزاری و ایجاد خودآگاهی محیط زیستی در افراد سخن به میان آورد.

آموزش از این‌رو مهم است که با ارتقا دانش و معرفت محیط زیستی و تبیین پیامدهای بی‌توجهی به مسأله‌ی مخاطرات و بحران‌های زیستی می‌توان رفتارهای مطلوب را افزایش داد. معرفت نسبت به موضوع طبیعت و منابع آن می‌تواند با کنترل میزان و نوع مصرف به تغییر و اصلاح الگوی مصرف و در نتیجه تغییر سبک زندگی بیانجامد. البته باید توجه داشت که ایجاد تغییرات کاملاً مطلوب در سبک زندگی در کوتاه‌مدت دست‌یافتنی نیست، اما لازم است تدابیری اتخاذ شود تا شناخت و باور نسبت به لزوم حفاظت از محیط زیست در رفتار فردی، درونی شود.

با توجه به نتایج حاصل برای تحقیقات آتی نیز پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه

می‌شود:

- مطالعه‌ی سبک زندگی محیط زیستی با اتکا بر روش‌های پژوهش کیفی داده بنیاد

(GT).

- مطالعه‌ی تطبیقی سبک زندگی دانشجویان و جوانان غیر دانشگاهی.

- شاخص‌سازی سبک زندگی محیط زیستی در محیط دانشجویی.

- بررسی و شناسایی مؤلفه‌های سبک زندگی محیط زیستی بر اساس بنیادهای نظری

متفاوت.

**Reference:**

Afrough, E. (1999). Subculture, participation and social harmony, collection of articles on social harmony and public culture, Tehran, Publishing Organization of the Ministry of Culture and Islamic Guidance. (Persian).

Aghili, S. M., Khoshfar, G., Salehi, P. (2009). Social Capital and Environmentally Responsible Behaviors in Northern Iran, Journal of Agricultural Sciences and Natural Resources. Vol. sixteen. Vol. On. (Persian).

Alizadehaqdam, M., B., Honarvar, H. (2011). Investigating the Relationship between Citizens' Awareness of Citizenship Rights and Its Impact on the Environmental Health Style of Tabriz Citizens, M.A Thesis in Social Sciences Research, University of Tabriz. (Persian).

Banifatemeh H., Hosseinejad, F. (2012). Investigating the social factors related to the environmental lifestyle of citizens of Tabriz, PhD thesis in Sociology, University of Tabriz. (Persian).

Banifatemeh, H., Bandehhagh, A., Salehi Pourmehr, H. (2007). Investigating the relationship between social security and social capital among students of Tabriz University, M.A Thesis in Social Sciences Research, University of Tabriz. (Persian).

Barry, J. (1999). Environment and Social Theory. London: Routledge.

Cahill, M. (2002). The Environment and Social Policy. London and New York: Routledge.

Catton, W. R. (1982). Overshoot: The Ecological Basis of Revolutionary Change. USA: Published by the Board of Trustees of the University of Illinois at [http://books.google.com/books?id=\\_eQ56mT6k4C&printsec=frontcover&cd=1&source=gb\\_s\\_ViewAPI#v=onepage&q&f=false](http://books.google.com/books?id=_eQ56mT6k4C&printsec=frontcover&cd=1&source=gb_s_ViewAPI#v=onepage&q&f=false).

Delaviz, A. (2005). Investigating the role of social capital in the attitude towards political development among teachers in Marivan city, Master Thesis in Social Sciences Research, University of Tabriz. (Persian).

Fritjof, C. (2007). *The Hidden Connections*, Translated by Mohammad Hariri Akbari. Tehran, Ney Publishing. (Persian).

Giddens, A. (2009). *Global Perspectives*. Translated by Mohammad Reza Jalaeipour. Third edition. Tehran, Tarheno Publications. (Persian).

Grigoryeva V. V. (2010). Research of Parameters of a Personal Ecological Footprint as an Effective Tool of Education for Sustainable Development, The State of the Art in Ecological Footprint Theory and Applications, Academic Conference Footprint Forum 2010, Short Communications, Colle Val d'Elsa, 9th-10th June 2010, Editor Simone Bastianoni, Pub. Global Footprint Network & Eco-dynamics.

Fukuyama, F. (2004). "History without End", translated by Ali Mohammad Tabatabai, *Economic Journal*, No. 36. (Persian).

Hannigan, J. (1995). *Environmental Sociology*. London: Routledge Publication.

Haughton, G. & Hunter, C. (1994). "Managing Sustainable Urban Development" in *Perspective towards Sustainable Environment Development*. Edited by Colin C. Williams and Graham Haughton. Hong Kong, Sydney: Published by Arebury Studies in Green Research.

Hosseinzadeh, M., (2007). *The Relationship between Cultural Capital and Social Identity among Students of Tabriz University*, M.A Thesis in Sociology, University of Tabriz. (Persian).

Humphrey, C., Lewis, T., Buttel, F. (2002). *Environment, Energy and Society: A New Synthesis*. Wadsworth Publication.

Mahdavi, M. (2005). "The concept of lifestyle and its scope in social sciences", *Cultural Research Quarterly*. First year. Number one. Pp. 199-230. (Persian).

Judkin, B. & Presser, L. (2008). "Division of eco-friendly household labor and the marital relationship", *Journal of Social and Personal Relationships*. Vol 25.No. 6. Pp 923-941.

Kollmuss, A. & Agyeman, J. (2002). "Mind the Gap: why do people act environmentally and what are the barriers to pro-environmental behaviorc", *Environmental Education Research*, Vol. 8, No. 3.

Lamont, M. & Lareau, A. (1988). "Cultural Capital: Allusions, Gaps and Glissandos in Recent Theoretical Developments", *Sociological Theory*. Vol. 6, No. 2.Pp 153- 168.

Mahdavi, M., Riahi, E. (2003). "Cultural and social factors in confrontation and interaction with the environment: A case study of Arak", *Quarterly Journal of Geographical Research*. No. 47. pp. 135-148. (Persian).

Mousavi, M., & et. al. (2008). *Measuring Social Capital in Tehran, Research Project, University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences*. (Persian).

Poortinga, W. Steg, L. & Velk, C. (2004). "Values. Environmental Concerns, Environmental Behavior: A Study of Household Energy use", *Environmental and Behavior January*. Vol 36. No. pp 93-170.

Rafiei, H., Hamidnejad, H. (2009). "Investigating the role of education in increasing people's desire to protect the environment (Case study: Caspian Sea)", *Quarterly Journal of Environmental Sciences*. No. 7. pp. 95-108. (Persian).

Sarason, I. (1988). *Anxiety, self-preoccupation and attention*. Routledge.

Smith, Mark J. (1998), *Ecologism: Towards ecological citizenship*, Minneapolis: University of Minnesota Press.



---

Stets, Jan E. & Biga, Chris F. (2003). "Bringing Identity Theory into Environmental Sociology", *Sociological Theory*, vol. 21, No. 4, pp: 398-423.

Xiao, Ch., McCright, A. (2012). "Explaining Gender Differences in Concern about Environmental Problems in the United States", *Society & Natural Resources: An International Journal*. Vol 25, Issue 11.Pp 1067- 1084.

## The Sociological Study of Determinants of Environmental Lifestyle among University of Tabriz Students

Saeed Soltani Bahram (Ph.D)<sup>1</sup>, Fattaneh Hajilou (Ph.D)<sup>2</sup>

DOI: 10.22055/QJSD.2021.16828

### Abstract:

Environmental interactions are influenced by factors that are created and reinforced during a person's socialization. The main purpose of this study is to investigate the causes affecting people's biological behaviors in the process of socialization, the experiences and skills they find in this field, the responsibilities they accept and the role of knowledge and awareness they acquire in the learning process. This research was conducted during the academic year of 2015-2016 at Tabriz University of Tabriz by survey method. The statistical population is the students of Tabriz University that 302 of whom have been selected by stratified sampling. The research findings show that the average environmental lifestyle in the range of 52 to 133 is equal to 99.59%, which shows Students' environmental lifestyles are abundant. Also, among the six dimensions of environmental lifestyle, public transportation using, has the lowest average, in the scale of the present study, compared to the average of other dimensions studied environmental lifestyle. The results of the hypothesis test also show that the positive and significant relationship between environmental lifestyle and social capital and its three dimensions including social trust, social cohesion and social participation, as well as cultural capital and its dimensions and environmental knowledge. The results of environmental lifestyle regression analysis show that the three variables of social participation, environmental knowledge and objective dimension of cultural capital in general explain about 19% variance of environmental lifestyle at Tabriz University students.

**Key Concepts:** Environmental Lifestyle, Social Capital, Cultural Capital, Environmental Knowledge, Students, University of Tabriz

<sup>1</sup> Assistant Professor of Sociology, Urmia University, Urmia, Iran (Corresponding Author), s.soltani@urmia.ac.ir

<sup>2</sup> Assistant Professor of Sociology, University of Tabriz, Tabriz, Iran, fhajiloo@ymail.com

